

نبرد خلق

اول مهر، آغاز سال تحصیلی را به دانش آموزان، دانشجویان، معلمان و استادان ایران تبریک می گوئیم.

کارگران همه ی
کشورها متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

آمریکا کانادا ۱ دلار، آلمان ۲ مارک، فرانسه ۷ فرانک
NABARD - E - KHALGHE No: 184 22 Sep 2000

شماره ۱۸۴ - دوره چهارم سال هفدهم - اول مهر ۱۳۷۹
\$ 1 - 2 DM - 7 Fr

یادداشت سیاسی

قیام یک هفته ای مردم دلیر خرم آباد

مهدی سماع

mehdi_samee@yahoo.com

رویدادهای ماه گذشته، عمیق و وسعت بحران همه جانبه در ایران را نشان داد. تشدید تضاد در درون حکومت که با گزارش رفسنجانی در مورد مجلس خبرگان ابعاد جدیدی یافته بود، با انتشار گزارش «سازمان بازرسی کشور» در تاریخ ۲۳ شهریور در مورد قیام مردم خرم آباد باز هم تشدید شد. هاشمی رفسنجانی در سخنرانی خود در نماز جمعه ۱۳ شهریور به ۲ خردادها هشدار داد که دست از پا خطا نکنند. اکنون این سؤال مطرح می شود که چرا در این شرایط خاص مجلس خبرگان تشکیل جلسه داده و چرا رفسنجانی به ارائه چنین گزارشی پیرامون این جلسه مبادرت ورزید؟

برای ارائه پاسخ درست به این سؤال، هم باید به جایگاه واقعی مجلس خبرگان در نظام ولایت فقیه توجه کرد و هم شرایط بحرانی که اکنون بر جامعه ما حاکم است را مد نظر قرار داد.

مهمترین و محوری ترین وظیفه مجلس خبرگان، تعیین رهبر و بررسی عملکرد آن است. بر این اساس بود که پس از مرگ خمینی مجلس خبرگان خامنه ای را ولی فقیه اعلام کرد. دوران ۸ ساله ریاست جمهوری رفسنجانی که مشخصه مهم آن سازش بین خامنه ای - رفسنجانی بر سر مهمترین مسائل بود، هیچ گاه «قداست رهبری» از درون رژیم زیر سؤال نرفت. رفسنجانی علیرغم این که «مصالح نظام» را بهتر از هر کس دیگر در حکومت درک می کرد و به فوت و فن توطئه گیری برای ادامه حیات جمهوری اسلامی بسیار مسلط بود، اما از آن جا که به نقش «عمود خیمه نظام» به خوبی واقف بود.

بقیه در صفحه ۲



مردم خرم آباد طی ۷ شبانه روز قیام قهرمانانه، با سر دادن شعارهایی از قبیل
«مرگ بر حکومت آخوندی»، «مرگ بر بسیجی»، «مرگ بر خامنه ای»،
«آزادی اندیشه با ریش و پشم همیشه» نشان دادند که خواستار
سرنگونی رژیم استبدادی - مذهبی حاکم بر کشور ما هستند.

صفحه ۳

تظاهرات در تجریش در حمایت از قیام خرم آباد

در صفحه ۲

اخبار کارگری

صفحه ۴

اخبار عملیات مجاهدین در داخل کشور

در صفحه ۴

در گوشه و کنار جهان

در صفحه ۱۳

جرج دبلیو بوش و زنان

زنان و مسیر رهایی

صفحه های ۵، ۶ و ۷

یادداشت و گزارش

صفحه ۸

دیدگاهها

صفحه های ۱۱ و ۱۲

تظاهرات ایرانیان در نیویورک

صفحه ۱۶

سرنگون باد رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه با تمام بندهای درونی آن

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی

یادداشت سیاسی

نقیه از صفحه ۱

در مقابل زیاده خواهیهای خامنه ای و باند او سر فرود می آورد و هر زمان که تضادهای درون حکومت شدت می گرفت، کوتاه می آمد و به خامنه ای و باند او امتیاز می داد. بر اساس همین سیاست بود که خامنه ای تن به تغییر قانون اساسی برای انتخاب رفسنجانی به ریاست جمهوری برای بار سوم نداد. در حقیقت از همان زمان که خامنه ای به قراردادهای سازش با رفسنجانی که بلافاصله پس از مرگ خمینی بسته شده بود، پشت کرد، باید می دانست که با گامهای متزلزل نمی تواند راهی را که انتخاب کرده، ادامه دهد. خامنه ای با قاطعیت از پذیرش ۵ کاندیدای رفسنجانی برای لیست ۳۰ نفره کاندیداهای مجلس پنجم ارتجاع در تهران خودداری کرد و پس از آن با کاندیدا شدن هاشمی رفسنجانی برای بار سوم نیز با قاطعیت مخالفت کرد. خامنه ای و باند او در اندیشه «حکومت عدل اسلامی» بودند. آنها فکر می کردند می توانند گام به گام و با کمک نیروهای «مخلص ولایت» به این هدف دست یابند. برای خامنه ای و باند او انحصار کامل قدرت و اعمال واقعی ولایت فقیه و نه تبع آن یک تازی د عرصه چپاول و غارت مردم و کشور مطرح بود. معنی واقعی «دوب تسدن در ولایت» از دیدگاه بازار سنتی و سوداگر که پایگاه اصلی ولایت فقیه هستند، انحصار واقعی در قدرت و یک تازی در چپاول و غارت مردم و کشور بود. بر این اساس بود که خامنه ای با حمایت جمعیت مؤتلفه اسلامی و گروههای همسو با آن، بر قرارداد سازش با رفسنجانی مهر «باطل شد» زد. اما خامنه ای اراده آن را نداشت تا راهی را که انتخاب کرده تا آخر ادامه

دهد. به بیان درست تر فشار جنش اجتماعی از پایین و عملکرد سیاسی مقاومت سازمان یافته، وی را در چنان در منگنه ای قرار داده بود که برای خامنه ای ادامه راهی که انتخاب کرده بود، مستلزم پرداخت هزینه گزافی بود که چه بسا بنیاد ولایتش را بر باد می داد. خامنه ای در محاسبات خودش راه کم هزینه تر را برگزید و به نتیجه سه بر یک در انتخابات ۲ خرداد به ضرر کاندیدای مورد حمایتش تن داد. اما این عقب نشینی و سیاست «حفظ تعادل موجود» که طی سه سال گذشته از طرف خامنه ای اتخاذ شده، مثل موربانه ولایتش را می خورد. وقتی خمینی مجبور شد جام زهر قبول آتش بس را بنوشد، هزینه گزاف آن عقب نشینی را از یک طرف با قتل عام زندانیان سیاسی و از طرف دیگر با تصفیه آقای منتظری از جانشینی خود پرداخت. در حالی که اکنون خامنه ای هم مجبور شده جام زهر را بنوشد و هم اراده آن را ندارد که راهی برای تعیین تکلیف قطعی انتخاب کند. نتیجه این وضع، خدشه دار شدن ولایتش و سپس زیر سؤال رفتن آن در درون حکومت و به ویژه در طیف میانی و یابینی حکومت می شود. حجت الاسلام مجتهد شبستری نماینده خامنه ای در استان آذربایجان شرقی و عضو مجلس خبرگان در این باره می گوید: «وقتی اعضای مجلس خبرگان می شنوند یا در مطبوعات می خوانند که برخی از اعضای گروههای سیاسی در جمهوری اسلامی به عنوان ام القرای اسلام می گویند: مشکل ما قانون اساسی است؛ و جمعی دیگر به عنوان اصلاح طلب خواستار حذف برخی از مفاد قانون اساسی می شوند، آن وقت تکلیف اعضای مجلس خبرگان چیست؟» (خبرگزاری دانشجویان - ۲۳ مرداد ۷۹).

وی در ادامه صحبت‌های خود تکلیف مجلس خبرگان را این گونه تعیین می کند: «اعضای مجلس خبرگان در راستای انجام وظایف قانونی خود اعلام کردند حضرت آیت الله العظمی خامنه ای لایق ترین فرد برای ولایت و رهبری است و تبعیت مطلق از معظم الله و تقویت ایشان به صلاح اسلام و کشور جمهوری اسلامی ایران است.» (همانجا)

ملاحظه می شود که اساسی ترین، محوری ترین و در ضمن حیاتی ترین مسأله سیاسی برای نظام استبدادی - مذهبی حاکم، حفظ ولایت فقیه و «تبعیت مطلق» از خامنه ای است. روی سخن خبرگان نشینان به همان گونه که مجتهد شبستری می گوید با مردم ایران نیست. اکثریت قاطع مردم ایران می دانند و بارها با صدای بلند اعلام کرده اند که «ولایت مطلقه فقیه» را نمی خواهند. خواست خامنه ای و عمله و اکره او که می خواهند با کمترین هزینه برآورده شود، بسته شدن شکافی است که در رأس حکومت به وجود آمده است. خامنه ای می داند که قدم اول برای کنترل بحران، غلبه بر شکاف در رأس حکومت است اما وی کماکان اراده برای تصمیم در این مورد و پرداخت هزینه برای راهی که می گزیند را ندارد. اتخاذ تاکتیک «حفظ تعادل موجود» و حل «روزمه» مسائل ولایت از جانب خامنه ای، البته به طور تاکتیکی هزینه کمتری در بر خواهد داشت. اما از آنجا که جنبشهای اجتماعی مردم ایران هر روز عمق و وسعت بیشتری می یابد و عملیات مسلحانه و مداخله گرانه مجاهدین خلق در داخل کشور شکاف درون حکومت را عمیقتر می کند، و از آن جا که جامعه بر خلاف خواست مرتجعینی چون خامنه ای و اعسوان و انصارش و عوامفریبانی چون خاتمی و باندش در حرکت و تلاطم است، این درمان تاکتیکی و لحظه ای، هم چون تزریق مداوم مرفین به یک بیمار لاعلاج است که سرانجام روزی بی اثر خواهد شد. انباشت و

تعمیق بحران، بن بست رژیم را نهادینه کرده و هر روز بیش از روز قبل آثار دوران سرنگونی در سراسر وجود رژیم دیده می شود.

تلاشهای خاتمی و عوامفریبان ۲ خرداد برای نجات رژیم نیز ره به جایی نخواهد برد. مردم خرم آباد در قیام خود که روزها و شبهای متوالی در جریان بود، این حقیقت سزاده را در کردار و گفتار خود به خوبی نشان دادند. مردم خرم آباد نشان دادند که حاضر نیستند بازبچه دست عوامفریبانی که می خواهند از آنان به مثابه نردبان صعود به قدرت سوء استفاده کنند، قرار گیرند. قیام دلیرانه زنان و مردان خرم آباد به خوبی نشان داد که مردم از شکاف درون حکومت استفاده می کنند اما حاضر نیستند خواستهای اساسی خود را در چارچوب تنگ عوامفریبانی چون خاتمی و باند او محدود کنند. این را حتی استقبال کنندگان بسیار محدود از خاتمی در بازگشت از سفر آمریکا، با شعارهای خود نشان دادند. مردم با تمامی باند و دسته بندیهای درونی این حکومت و تمامی ارگانها و نهادهای تابع این حکومت استبدادی مذهبی مخالفند و خواهان برافتادن آن هستند. آیا کسی هست که پیامی جز این از قیام مردم خرم آباد بگیرد؟ اگر پیام قیام مردم خرم آباد چیزی جز سرنگونی رژیم استبدادی و مذهبی ولایت فقیه و تمامی دسته بندیهای درونی آن و استتقرار آزادی، دموکراسی، عدلت و ایجاد یک حکومت غیر مذهبی نیست، تمامی گروهبندیهای سیاسی باز هم در مقابل انتخاب مردم و یا حکومت و یا بخشی از آن قرار می گیرند. از این انتخاب هیچ کس را گریزی نیست. هرانتخاب جدی دیگری جز مردم و خواستهای اساسی آنان، به ناچار و در پروسه عمل ره به همان انتخاب مجلس خبرگان می برد. انتخابهای بینابینی هر چقدر آغشته به عوامفریبی

باشد، درمقابل قیامهای گسترش یابنده مردم رنگ می بازد. یکایک اجزاء جامعه به نقطه انتخاب و تمیین تکلیف نزدیک می شوند و برای آن تدارک می بینند. برای هر فرد سیاسی و به ویژه برای کسی که از سیاست انقلابی دفاع می کند، باور به این حقیقت یک گام اساسی و راهگشا خواهد بود. قیام مردم خرم آباد، هم چون قیام سال قبل دانشجویان و جوانان تهران و ۱۷ شهر بزرگ دیگر، هم چون قیام مردم آبادان، قیام زنان اسلامشهر و ... مستقل از جناحها، باندها و دسته بندیهای درونی ولایت خامنه ای و با خواستهای ترفیحوهانه و در محور آن سرچینیدن نظاماستبدادی - مذهبی، راه را برای هر چشم انداز ضد مردمی، ارتجاعی و امپریالیستی مسدود خواهد کرد.

توقیف دائمی
روزنامه آریا

به گزارش مطبوعات رژیم پروانه انتشار روزنامه «آریا» لغو و مدیر مسئول آن به چهار ماه حبس تعزیری، دو سال محرومیت از فعالیت مطبوعاتی و دو میلیون ریال جریمه نقدی محکوم شد. رئیس کل دادگستری استان تهران به عنوان مدعی العموم وزارت اطلاعات و سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی جریء شاکبان محمد رضا زهدی مدیر مسئول روزنامه آریا بودند. در یک خبر دیگر اعلام شد که هیئت منصفه مطبوعات مدیر مسئول نشریه «دانستنیها» را مجرم شناخت. بنا به این خبر اعضای هیئت منصفه مطبوعات حاتم «فرانه بهزادی» مدیر مسئول نشریه دانستنیها را به خاطر واگذاری غیر قانونی امتیاز نشریه خود به نماینده شرکت «جامعه روز» مجرم شناخت.

قیام یک هفته ای مردم دلیر خرم آباد

حسرت‌گزاری رویتر روز ۷ شهریور پیرامون قیام مردم خرم آباد اعلام کرد که: «در ناآرامی آحر هفته اخیر در شهر غربی خرم آباد یک افسر پلیس کشته و چندین نفر دیگر مجروح شدند یک شاهد عینی به خبرگزاری رویتر در یک تماس تلفنی اطلاع داد که بیش از ۱۰ هزار نفر روز یکشنبه در خرم آباد تظاهرات کردند. یک شاهد که پزشک بود و خواست نامش برده نشود اطلاع داد که «درگیریهای گسترده روز یکشنبه ادامه داشته است و دهها نفر مجروح و دستگیر شده اند. وی گفت، نیروهای امنیتی اکنون کنترل را در این شهر مرکزی استان کوهستانی لرستان به دست دارند.»

جنبش مردم خرم آباد که در آغاز با بهره برداری از تضاد درونی حکومت آغاز شده بود، با یک قیام ۷ روزه مستقل از جناحهای حکومت که خواستار برچیدن نظام حاکم بودند، شد. این قیام منجر به تشدید باز هم بیشتر تضادهای درون حکومت شد. از یک طرف باند خاتمی هیأتی از سوی «شورای امنیت ملی» را مأمور رسیدگی به این جریان نمود و از طرف دیگر شاهرودی رئیس قوه قضائیه به آخوند رئیسی سرپرست سازمان بازرسی کل کشور مأموریت داد که ماجرا را رسیدگی کنند. هیأت بازرسی کل کشور وابسته به خامنه ای به سرعت گزارشی تهیه کرد و روز ۲۳ شهریور آن را انتشار داد. در این گزارش ضمن اعتراف به خیزش قهرمانانه مردم خرم آباد و حرکت‌های دلیرانه آنان، بعضی از گردانندگان باند خاتمی را مسئول مستقیم به وجود آمدن قیام خرم آباد اعلام کرد و متقابلاً ۳ خردادها به این گزارش واکنش نشان دادند.

قیام مردم خرم آباد هم چون قیام دانشجویان و جوانان تهران و ۱۷ شهر بزرگ در سال قبل و دهها حرکت اعتراضی دیگر طی سال گذشته نشان دهنده اوج تنفر و انزجار مردم ایران از رژیم حاکم و تمام دسته بندیهای درونی آن است. این قیام هم چنین نشان داد که مردم به ۲ خردادها هرگز اجازه نمی دهند که از آنان برای اهداف ارتجاعی سوء استفاده شود.

اطلاعیه -

دروود بر مردم به پا خاسته خرم آباد

روز پنجشنبه ۳ شهریور مزدوران ولایت خامنه‌ای با محاصره فرودگاه خرم آباد مانع ورود آقایان کدیور و سروش به این شهر شدند. روز بعد مزدوران بسیجی و انصار حزب‌الله مانع برگزاری تجمع «دفتر تحکیم وحدت» وابسته به باند خاتمی شدند. با وجود این که این دفتر برای برگزاری تجمع خود از وزارت کشور اجازه گرفته بود ارازل و اوپاش طرفدار ولایت خامنه‌ای مانع ایجاد چنین تجمعی شدند.

اما در این میان مردم خرم آباد و به ویژه جوانان این شهر طی روزهای جمعه ۴ شهریور تا امروز سه شنبه ۸ شهریور نفرت و انزجار خود را طی حرکت‌های مختلف نشان داده‌اند. زنان و مردان به پا خاسته خرم آباد با قیام خود و با شعار «مرگ بر خامنه‌ای» و «آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه» اعلام کردند که خواهان برچیدن بساط ارتجاعی نظام استبدادی - مذهبی ولایت فقیه هستند. جوانان خرم آباد با حمله به مراکز ستم و سرکوب رژیم نشان دادند که فریب کسانی که دم از قانونگرایی می‌زنند و در مقابل قانون شکنی آشکار سیاست تسلیم و کرنش را پیش می‌گیرند را نمی‌خورند. اگر استبداد مذهبی حاکم بر کشور ما ظرفیت «تحول» به صورت «قانونی» را داشت، هرگز به تجمع یکی از باندهای درونی خود این گونه تهاجم نمی‌کرد واقعیت این است که رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه هرگز قادر به «تغییر»، «تحول» و «اصلاح» آن هم به شکل «قانونی» و «مسالمت آمیز» نیست. جوانان دلیر خرم آباد نشان دادند که راه برچیدن این نظام ننگین مبارزه متحد و یک پارچه و قهرآمیز است.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران اقدامات سرکوبگرانه مزدوران ولایت خامنه‌ای در مورد مردم خرم آباد را شدیداً محکوم کرده و از تمامی مجامع بین‌المللی مدافع حقوق بشر خواستار محکوم نمودن رژیم ایران به خاطر این اقدامات سرکوبگرانه است.

ما تمامی زنان و مردان ایران را به مبارزه متحد برای سرنگونی نظام استبدادی - مذهبی ولایت فقیه و تمامی دسته‌بندیهای درونی آن و تحقق جدایی دین از دولت، استقرار دموکراسی عدالت و پیشرفت فرا می‌خوانیم.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران
سه شنبه ۸ شهریور ۷۹

تظاهرات در تجریش

دبیرخانه شورای ملی مقاومت در روز ۱۸ شهریور طی دو اطلاعیه پیاپی اعلام کرد که: «حوالی ساعت ۶ بعدازظهر امروز به وقت تهران، قریب به دو هزارتن از دانشجویان و مردم تهران در میدان تجریش در شمال تهران در حمایت از قیام مردم خرم آباد، دست به تظاهرات زدند. آنها شعارهایی علیه سرمدمداران رژیم سر دادند. این تجمع اعتراضی برعم تدابیر امنیتی گسترده در شمال تهران صورت گرفت. از ظهر امروز، صد ها تن از مزدوران نیروی انتظامی و اطلاعاتی و پاسداران موسوم به انصار حزب الله با لباس شخصی در میدان تجریش مستقر شده بودند.

تظاهر کنندگان وقتی با تعرض نیروهای سرکوبگر رژیم مواجه شدند به مقابله برخاستند و درگیری شدیدی بین طرفین روی داد که تا ساعت صدور این اطلاعیه همچنان ادامه داشت.

صبح امروز، مقامات وزارت اطلاعات برای اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از شکل گیری این تجمع نشست‌های متعددی در محل وزارت اطلاعات برگزار کرده بودند. نیروی انتظامی دوربین‌های فیلمبرداری متعددی را در محل مستقر کرده است تا جهت شناسایی تظاهرکنندگان از آنها فیلم تهیه کند.

نیروهای سرکوبگر رژیم در مناطق اطراف میدان تجریش شماری از جوانان را دستگیر نموده و به محل نامعلومی منتقل نمودند. در میان دستگیر شدگان حداقل سه دانشجو به چشم می‌خورد. در حال حاضر، میدان تجریش مملو از مزدوران انتظامی و اطلاعاتی دشمن است. دست کم ۱۵ اتوبوس ممنوع از نیروی انتظامی به محل آورده شده‌اند. یکصد تن از پاسداران نیز با لباس شخصی در محل حضور دارند و به اجتماعات چند نفره مردم حمله می‌کنند.

رژیم برای جلوگیری از پیوستن مردم سایر نقاط تهران به این تظاهرات، تمامی خیابان‌های منتهی به میدان تجریش، از جمله خیابان‌های دریند، شریعتی و ولی عصر را بسته است، به نحوی که ترافیک سنگینی در مناطق اطراف میدان تجریش ایجاد شده است.»

اخبار کارگری —

تحصن

تلویزیون شبکه خبر ۳۰ مرداد؛ کارگران کارخانه علاءالدین امروز در مقابل استانداری تهران تجمع کردند. افشاری خبرنگار شبکه خبر در این مورد می گوید: کارگران علاءالدین تهران یس از آن که چندین ماه نتوانستند حقوق معوقه خود را دریافت کنند صبح امروز در مقابل استانداری تهران دست به تحصن زدند.

تعطیلی ۳۱ واحد صنعتی در ایلام

هفته نامه سیاست ۲۹ مرداد: موج تعطیلی کارخانه ها و واحدهای صنعتی به استانهای محروم نیز تسری یافته، به طوری که از مجموع ۱۶۱ واحد صنعتی استان ایلام، تعداد ۲۱ واحد به طور کامل راکد و تعطیل شده است. مهندس کریم دوست محمدی مدیر کل صنایع استان ایلام در همین زمینه گفت: با تعطیلی این واحدها ۹۰۰ کارگر شاغل بیکار شده اند. افزون بر واحدهای مذکور، تعداد ۱۴ واحد دیگر نیز در استان نیمه فعال بوده و در آستانه تعطیلی هستند.

عدم دریافت حقوق

روزنامه انتخاب ۲۱ مرداد: کارگران ۲۴ کارخانه در کیلان هم اینک با بحران جدی بیکاری دست و پنجه نرم می کنند. به نوشته این روزنامه، کارگران یاد شده بین دو تا چهار ماه است که حقوق دریافت نکرده اند و از نظر زندگی و معیشتی در وضعیت بسیار بغرنج و بدی به سر می برند. نساجی شمال، گیلتان، ایران چاکا آسانسور و پنبه برقی گیلان، قطعات یدکی گیلان، کیلان پاکت، ترنج طلائی، سوم ماکارون، خانه سازی رضوانشهر، کفش کنبه، نختار، سیر پاستوریزه، احاد سیستم، نازپوش، اویا موکت، رنگسازی سروان، شفاف شیشه، جوراب گیلان، صنایع چوب سالم، فرش گیلان و الکترونیک گیلان از جمله کارخانجات یاد شده اند.

سی و ششمین سالگرد تاسیس

سازمان مجاهدین خلق ایران

شورای رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران به مناسبت ۱۵ شهریور، سی و ششمین سال تاسیس این سازمان، طی پیامی ضمن گرامیداشت خاطره بنیانگذاران مجاهدین، به جمع بندی تحولات یک سال اخیر پرداخت.

شورای رهبری مجاهدین در پیام خود به نقل از ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور اعلام کرد طرف ۹ ماه گذشته، واحدهای عملیاتی مجاهدین ۱۳۳ رشته عملیات را در تهران و استانهای مختلف، به اجرا درآورده اند. در این عملیات، مهمترین مراکز سرکوب، از جمله کاخ خاومه ای و رفسنجانی، وزارت اطلاعات، ستاد مشترک سپاه پاسداران، ستاد فرماندهی نیروی انتظامی و ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح و بسیاری از لشکرهای سپاه پاسداران و ارتش رژیم و مزدوران اطلاعاتی انتظامی دشمن هدف قرار گرفته اند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، سی و ششمین سالگرد تاسیس سازمان مجاهدین خلق ایران را سه روزمندگان، اعضا، کادرها، مسئولان و شورای رهبری این سازمان تبریک می گوید.

اخبار عملیات مجاهدین در

داخل کشور

درگیری مجاهدین با نیروهای اطلاعاتی و انتظامی رژیم در ابادان سازمان مجاهدین خلق ایران در اطلاعیه بی به تاریخ ۱۶ شهریور اعلام کرد: در جریان پیگردهای نیروهای وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی رژیم آخوندی پیرامون قیام مردم ابادان که دو ماه است مستمراً ادامه دارد، روز ۱۵ شهریور درگیری گسترده ای بین مجاهدین با نیروهای اطلاعاتی و انتظامی رژیم آخوندی در ابادان روی داد. در جریان درگیری مردم فعالان به حمایت از مجاهدین برخاستند و رژیم آخوندی دهها تن از شهروندان بیگناه را دستگیر و تعدادی را مجروح کرد. در این درگیریها مجاهد خلق عبدالمهدی با ایمی ۲۳ ساله، فرزند قهرمان ماهشهر به شهادت رسید.

عملیات قیام نعمت اباد

ساعت ۳ بامداد روز ۵ شهریور، واحدهای قهرمان عملیاتی مجاهدین مقرر فرماندهی و یادگان منطقه انتظامی قصر شیرین و هم چنین مقر یکان ویژه صد

شورش را با آتش سنگین خمپاره های ۱۲۰ میلیمتری در هم کوبیدند. این عملیات بزرگ به نام قیام مردم نعمت اباد تهران، عملیات قیام نعمت آباد - شماره ۱ نام گذاری شد. حوالی ساعت ۳ بامداد شنبه ۵ شهریور، واحدهای قهرمان عملیاتی مجاهدین در عملیات قیام نعمت آباد شماره ۲ مرکز نیروی انتظامی رژیم آخوندی در جنوب غربی قصر شیرین را ۳۰ بار بیابایی با خمپاره های ۸۲ میلیمتری در هم کوبیدند. هم چنین ساعت ۳ بامداد روز شنبه ۵ شهریور، واحدهای عملیاتی مجاهدین طی عملیات شماره ۳ قیام نعمت آباد یک پایگاه اطلاعاتی و تروریستی مزدوران نیروی قدس سپاه پاسداران را در حومه قصر شیرین ۳۰ بار بیابایی با خمپاره های ۶۰ میلیمتری در هم کوبیدند.

شبانگاه شنبه ۲۳ مرداد، بیش از ۱۰ هزار تن از مردم محروم نعمت آباد در جنوب غربی تهران در اعتراض به اقدامات سرکوبگرانه رژیم آخوندی به خیابانها ریختند و با برپا کردن یک تظاهرات ضد حکومتی با مأموران اطلاعاتی و انتظامی رژیم آخوندی شدیداً درگیر شدند و مظاهر حاکمیت آخوندها را منهدم کردند.

عملیات بهارستان

ساعت ۳ بامداد روز شنبه ۵ شهریور، واحدهای قهرمان عملیاتی مجاهدین، قرارگاه تاکتیکی تیپ ۴ لشکر سرکوبگر ۸۱ زرهی تحت امر ولی فقیه در جنوب قصر شیرین را ۲۰ بار بیابایی با موشکهای ۱۰۷ میلیمتری در هم کوبیدند. این عملیات بزرگ با نام بهارستان - شماره ۱ در همستگی با تظاهرات مردم و جوانان آزاده تهران در میدان بهارستان صورت گرفت. هم چنین ساعت ۳ بامداد روز شنبه ۵ شهریور واحدهای قهرمان عملیاتی مجاهدین، در عملیات بهارستان شماره ۲، مقر توپخانه تیپ ۴ لشکر ۸۱ تحت امر ولی فقیه در جنوب قصر شیرین را که از بهمن ماه گذشته برای مقابله با ارتش آزادیبخش ملی ایران به این محل منتقل شده بود، ۲۰ بار بیابایی با خمپاره های ۸۲ میلیمتری در هم کوبیدند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، شهادت رزمندگان دلیر مجاهدین خلق در عملیات بزرگ شهریور ماه امسال را به خانواده آنان، به رزمندگان ارتش آزادیبخش ملی ایران، به سازمان مجاهدین خلق ایران و به مردم ایران تسلیت می گوید.

مقاومت ایران خواستار

اقدام فوری بین المللی برای نجات

جان یک جوان ایرانی از

اعدام می باشد

به گزارش تلویزیون رژیم، امروز، جوانی به نام امیر حیدری به اتهام قتل تیمور حسن زاده، یک فرمانده نیروی بسیج سپاه پاسداران در شهر ری، توسط شعبه ۱۲ دادگاه عمومی این منطقه، به ۸۰ ضربه شلاق و اعدام محکوم شده است. پنج تن دیگر از جوانان شهر ری به همین اتهام به سه سال حبس محکوم شدند. حسن زاده، فرمانده واحدهای گشت بسیج سپاه پاسداران در شهریور روز چهارشنبه، ۸ تیرماه، هنگامی که وی به همراه تسنار دیگری از بسیجیان به تعدادی از جوانان شهر ری حمله ورشد، در درگیری با آنان به قتل رسید.

بسیج ضد مردمی در منطقه شهری، بویژه واحدهای گشت آن، به خاطر سرکوب وحشیانه مردم این نواحی به شدت مورد انزجار و نفرت عموم اهالی قرار دارد. بیشتر، روزنامه های رژیم فاش کرده بودند که عناصر بسیج شهر ری تعدادی از ساکنان این منطقه را به طرز فجیعی به قتل رسانده اند.

مقاومت ایران ضمن محکوم کردن این احکام ضد انسانی، درحالی که محکومان از کمترین شرایط یک دادرسی عادلانه برخوردار نبوده اند، از مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر خواهان اقدام بلادرنگ برای نجات جان امیر حیدری می باشد. دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران ۱۷ شهریور ۱۳۷۹

درگذشت مشکوک فریدون احمد

رادیو اسرائیل ۱۷ شهریور: دادستانی المان تصمیم گرفته جسد شادروان فریدون احمد نویسنده و طنزنگار ایرانی را که صبح دیروز بر اثر سکت قلبی فوت کرد، مورد کالندسکافی قرار دهد، زیرا بیم آن می رود که درگذشت رود هنگام او بر اثر صربانی باشد که در جریان تهاجم چند هفته پیش بر وی وارد آمده بود. شادروان فریدون احمد که نام حقیقی او فریدون ابوالحسن زاده بود، سحرگاه روز گذشته در سن ۴۸ سالگی درگذشت، وی چندی پیش توسط افراد ناشناسی مجروح شد که خود او تصور می کرد عوامل حکومت اسلامی ایران بودند.

جرج دبلیو بوش و زنان

زینت میرهاشمی
zinat_mirhashemi@yahoo.com

چگونگی برخورد به مسأله زن، یکی از عرصه های مهم در رقابتهای انتخاباتی در کشورهای بزرگ غربی است. پیرامون این مسأله برخوردهای متفاوتی وجود دارد که جنبش فمینیستی به آن حساس است. جرج دبلیو بوش کاندیدای جمهوریخواهان برای ریاست جمهوری آینده آمریکا است. وی در روز چهارم کنوانسیون حزب جمهوریخواهان و پس از آن که به نامزدی این حزب انتخاب شد سخنرانی مفصلی نمود و دیدگاههای خود و حزیش را البته با چاشنی کلمات و جملات عوامفریبانه، بیان کرد. بوش و معاون او دیک چینی هر دو از شرکاء و مدیران بزرگ کمپانیهای نفتی هستند و خط مشی محافظه کارانه آنان که در محور آن تلاش برای پایدار کردن و قدرتمند کردن هر چه بیشتر هژمونی آمریکا به شیوه بحران آفرینیهای بزرگ در عرصه جهانی است، ادامه همان راه و روشی است که ریگان و جانشین او جرج بوش (پدر کاندیدای فعلی جمهوریخواهان) به کار بستند. جرج دبلیو بوش در سخنرانی خود به این مسأله تأکید می کند و می گوید: «پیش از یک دهه پیش جنگ سرد به انتها رسید و با همت پریزدنت ریگان و بوش دیوار (برلین) فرو ریخته شد. ولی دولت کلینتون و گور به جای در اختیار گرفتن و بهره مند شدن از این فرصت، آن را بر باد داده است. ما شاهد از بین رفتن قدرت آمریکا و به کارگیری غیر معقول نفوذ آن بوده ایم. ارتش ما با کمبود وسایل، حقوق و روحیه روبرو است. اگر امروز فرمانده کل قوا، ارتش را فرا بچواند، دست کم دو لشکر کامل ارتش زمینی باید گزارش کنند که آماده برای پاسخگویی نیستند. این دولت سانس خود را از دست داده و توانسته است رهبری را در دست گیرد. اما ما این رهبری را در دست خواهیم گرفت تا این نسل بهترین آموزش از تاریخ آمریکا را داشته باشد». (تلویزیون سی ان ان - ۱۴ مرداد ۷۹)

جرج دبلیو بوش هم چنین به تعریف و تمجید از کلیسا که یکی از نهادهای مهم مدافع محافظه کاران است می پردازد. در میان حرفهای عوامفریبانه جرج دبلیو بوش که همواره

بر «آزادی»، «اخلاق»، «معنویات» و ... تأکید می شود، جایی برای حقوق مساوی زنان وجود ندارد. برای او مسأله زنان تا جایی اमित دارد که «مادر»، «همسر» و «دختران» خوبی برایش باشند. او می گوید: «من امشب به طور خاص از خانواده خود نیز تشکر می کنم. در میان همه کارهای دیگری که کردم، درخواست ازدواج از لورا بهترین تصمیم زندگی من بود. هم چنین به دو دخترم باربارا و ژانت، ما شمارا دوست داریم و به شما افتخار می کنیم. امسال که به دانشگاه می روید، ما را فراموش نکنید. به مادرم هم می گویم، همه تو را دوست دارند. من هم همین طور. در زمانی که مرا بزرگ می کرد. دوستی و پند و نصیحتهای زیادی به من کرد، من در عوض به او موهایی سپید دادم.»

ملاحظه می شود که از نظر جرج دبلیو بوش، اهمیت و نقش این زنان این بوده که یکی «مادر» دیگری «همسر» و یا «دختر» مردی هستند که می خواهد سکان سیاست آمریکا را در دست گیرد و نه چیزی بیشتر. سیاستهای جنگ طلبانه و محافظه کارانه دروان ریگان و پس از آن بوش، بخش بزرگی از زنان آمریکا را بیدار نمود. جنبش فمینیستی در ایالات متحده طی دو دهه آخر قرن بیستم گسترش جدیدی یافت. مفهوم «زن» مساوی «استواری خانواده» که سالها تنها شعار سیاستمداران در ایالات متحده بوده تغییر یافت و در مقابل آن زنان پیشرو خواهان مداخله هر چه بیشتر زنان در تمام عرصه های زندگی اجتماعی شدند و در این زمینه پیشرفتهایی به دست آوردند. اکنون عالیجناب جرج دبلیو بوش می خواهد زنان یا مادر باشند که از او موهایی سپید آنان تمجید کند و یا همسر که کانون خانواده را گرم کنند و یا دختر که فقط سه درس بپردازند. او از حق مساوی زنان با مردان در تمامی عرصه های حیات اجتماعی حرفی نمی زند و به محافظه کاران آمریکا، به کمپانیهای نفتی و به اسلحه فروشان مژده می دهد که برای حفظ هژمونی آمریکا از پدرش که به گفته وی «آخرین رئیس جمهور یک نسل بزرگ بود، نسلی که به سواحل حمله نمود، پادگانهای اسرا را آزاد نمود و ما را از شر شیطان خلاص نمود» پیروی خواهد کرد. بیهوده نیست که رژیم ارتجاعی حاکم بر کشور ما برای پیروزی جمهوریخواهان لحظه شماری می کند.

زنان و در مسیر رهایی



— لایلا
usalayla@yahoo.com

یک روزی به هم می رسیم

رادیو بی بی سی ۲۵ اوت - «محمد یزدی عضو شورای نگهبان روز جمعه ۲۵ اوت در نماز جمعه گفت که: دین و سیاست از هم جدایی ناپذیر هستند و این که مارکس گفته است دین افیون جامعه است باید دید که مارکس خودش دیگر در دنیا اعتداری ندارد. آقای مارکس گفته است بله اگر پول هم در کنار دین باشد فلان و بهمان می شود... حجاب زنان دین ماست آیا این همه کشته شدند که این طوری شه، حجاب شما اینه؟ «خلاصه نصیحت از ما، گفتی از ما، شنیدن از شما یک روزی به هم می رسیم آن وقت نگویی نگفتم.»

اعظم طالقانی در جواب به او در مصاحبه ای گفت که مسأله پوشش فقط برای زنان نیست مسأله پوشش در اسلام برای مرد و زن و برای سالم سازی جامعه است. آنها که حجاب را تنها برای زنان مطرح می کنند هم زن را به عنوان کالایی جنسی مطرح می کنند هم می خواهند آنها را محدود کنند. این که آقای یزدی میگه یک روزی به هم می رسیم ... شما پشیمان می شوید آنها اثرات مطلوبی در جامعه ندارد عده ای از صحبتهای ایشان سوء استفاده می کنند و دست به خشونت‌های غیر معقول می زنند و جو را آلوده تر می کنند. آقای یزدی معمولاً در صحبت‌هایش عصبانی می شود.

اوارگان خیابانی

۹ اوت: یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی گفت که ۲۵۰ هزار کودک ولگرد در خیابانها وجود دارد که اکثر آنها دختر هستند.

زنان و استفاده از شبکه اینترنت

به گزارش روزنامه نیویورک تایمز، برای اولین بار در عمر کوتاه اینترنت تعداد زنانی که از آن استفاده می کنند بیشتر از مردان شده است. هم اکنون ۵۰/۴ درصد از استفاده کنندگان اینترنت زن هستند که اکثر آنها دختران زیر ۱۸ سال هستند. در سال ۱۹۹۵ Feminist.com آماري تهیه کردند که طبق آن تنها ۱۵ درصد از کسانی که از

شبکه اینترنت بهره برداری می کردند زن بودند به همین جهت این رشد سریع را Feminist.com یک تحول بسیار مثبت برای زنان ارزیابی کرده و می گویند که ما خوشحال هستیم که از اولین کسانی هستیم که بدین طریق با زنان ارتباط برقرار کردیم. این برای زنان و دختران که به طور نسبی از کامپیوتر و تکنولوژی دوری می جویند پیشرفت عظیمی است. اکنون ثابت شده است که استفاده از اینترنت وسیله خوبی برای قدرت بخشیدن به زنان است.

سازمان ملل و حمایت از کودکان و دختران در دوران جنگ

جمعه ۴ اوت: شورای امنیت سازمان ملل متحد از کشورهای عضو این سازمان خواست که با به کارگیری کودکان در جنگ مبارزه کرده و در درگیریهای نظامی از قتل، کشتار و تجاوز به دختران که بسیار معمول است جلوگیری کنند و مرنگان به این جنایت را تحت تعقیب فرار دهند. در ماه اوت سال گذشته نیز تصویب نامه ای مشابه به این سازمان ارائه شده بود.

به گزارش سازمان ملل قریب ۳۰۰ هزار کودک برای شرکت در ارتش به کار گرفته شده اند که اکثر آنها توسط گروههای چریکی کوچک انجام می گیرد. از سیرالئون گرفته تا سریلانکا. در بیس سالهای ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۶ دو میلیون کودک در جنگ کشته شده اند. ۶ میلیون مجروح شده اند و ۲ میلیون خانواده خود را از دست داده اند. در حدود ۱۳ میلیون به طرز فجیعی از خانواده های خود جدا شده اند و کشور خود را ترک کرده اند، مانند انگلا و جمهوری دموکراتیک کنگو.

کوفی عنان لیستی منی بر ۵۵ روش و راه حفظ کودکان ارائه داد که این لیست شامل مجازاتهای سنگین برای سربازان، گروهها و دولتهایی که کودکان را در دوران جنگ به کار گیرند و از دختران بهره های جنسی گرفته و نه آنان تجاوز می کنند، می شود. یکی از ایس مجازاتها تحریم اقتصادی آنها است.

آموزش مسائل جنسی در

مدارس آرژانتین

جمعه ۱۱ اوت: سرانجام پس از ۱۳ ساعت جدال مجلس قانونگذاری بنیوس آیرس در آرژانتین با رأی (۱۳-۳۹) لایحه ای با عنوان «تولید مثل سالم و سرپرستی متعهد» به تصویب رساند که بنا بر آن پس از این دولت می تواند

بقیه در صفحه ۶

زنان و مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۵
متدهای گوناگون صد بارداری را به دختران معرفی کرده و وسایل لازم را در اختیار آنان قرار دهد. «تولید مثل بهداشتی» شامل آموزش مسائل جنسی در مدارس دولتی و خصوصی می باشد. از طرفی این قانون حق ویژه یی برای آن دسته از پزشکان که به لحاظ مسائل دینی و عقیدتی یا غیره مایل به پیروی از آن نیستند قائل نگشته است. گروههای معروف به pro-life که مخالف حق زنان برای سقط جنین هستند، کاتولیکها و چند گروه دیگر دست به اعتراضات گسترده ای علیه این قانون زده و تظاهراتی در مقابل مجلس این کشور به راه انداختند و این قانون را «جنایت واقعی» خطاب کردند. بسیاری از وکلا و پزشکان و مراکز مذهبی علیه این قانون به دادگاهها شکایت کردند.

پلیس کامبوج زنان رومانی را نجات داد

یکشنبه ۱۳ اوت: پلیس کامبوج ۶ زن با ملیتهای رومانی و مولداوی که در هتلی برای بردگی جنسی محبوس شده بودند، نجات داد. در این مورد رئیس پلیس گفت که این ۶ زن از ۷ زنی هستند که دارای سنها بین ۱۸ تا ۲۴ ساله بوده و از استامبول و بنکاک در تاریخ ۲ ژانویه به کامبوج آورده شده اند. پاسپورتهایشان گرفته شده و در هتل زندانی شده اند. این زنان پس از آزادی توسط پلیس، بسیار خوشحال بودند و به پلیس گفتند که قاچاقچیان به آنها قول یک شغل خوب داده بودند. مقامات حقوق بشر سازمان ملل این زنان را به کشورهای خود باز گرداند.

یک زن مبارز در اسارت

یکشنبه ۱۳ اوت: کیت سورنسون یکی از فعالان پیگیر جنبش زنان و حقوق هم جنس گرایان و مبارزه با بیماری ایدز در تظاهراتی که ماه گذشته در فیلادلفیا به دفاع از مردم فقیر و بی خانمان برگزار شد (شرح در نبرد خلق ۱۸۳) دستگیر شد. دادگاه برای آزادی موقت او تا زمان محاکمه مبلغ یک میلیون دلار ودیعه تعیین کرده است. این مبلغ بالاترین رقم ودیعه در بین بین ۳۹۱ زندانی سیاسی که در این تظاهرات دستگیر شده اند، است. آشوب، شورش و توطئه از جمله اتهاماتش است.

رهایی از آزار جنسی به دست زنان است

دوشنبه ۱۴ اوت: خانم سیسیل ویچ وکیل سرشناس حقوق زنان در ایالات متحده گفت: «این وظیفه خود زنان است که به آزار جنسی خاتمه دهند». او گفت: «آن دسته از صاحبان کار و مدیران که به آزار جنسی و یا تبعیض جنسی دست می زنند به این دلیل که فکر می کنند هرگز مجازات نمی شوند به کار خود ادامه می دهند». او هم چنین می گوید که بسیاری از مدیران مقام و رتبه زنان را به روابط جنسی با آنان ربط می دهند. خانم ویچ گفت که بهترین کار برای زنان این است که به دنبال فرد دیگری که با او نیز چنین رفتاری شده بگردند. هرگز از کار خود استعفاء ندهند و تلاش کنند که با کمک یک زن دیگر که وزنه بیشتری برای ثابت کردن ادعای خود خواهد داشت، به طور قانونی اقدام کنند».

سازمان ملل و زنان افغانی

پنجشنبه ۱۷ اوت: زمانی که در سال ۱۹۹۶ طالبان کابل پایتخت افغانستان را به دست گرفت تمامی مدارس دخترانه را تعطیل کرد و زنان از اشتغال به کار محروم کرد. اما به تدریج در اثر فشارهای بین المللی در بخش آموزش و پرورش تبدیلهای کمی به وجود آورد. طالبان هم چنین دستور داد که نانوائیهایی را که توسط زنان اداره می شد تعطیل کنند. به تخمین سازمان ملل در کابل ۲۸ هزار زن که شوهران خود را از دست داده اند زندگی می کنند این زنان فقیرترین زنان در بین جمعیت ۷۵۰ هزار نفری این شهر هستند و اکثریت این زنان با کمکهای بین المللی به زندگی خود ادامه می دهند.

به دنبال بسته شدن ۲۵ نانوائی که تعداد زن در آن اشتغال داشتند دولت طالبان تحت فشارهای بین المللی دستور بازگشایی تمامی نانوائیهایی را که توسط زنان فقیر اداره می شود داد. سازمان ملل دارای ۱۵۷ نانوائی می باشد که ۳۰۰ هزار نفر از آن بهره می گیرند. روز پنجشنبه در ژنو نماینده جمعیت زنان انقلابی افغانستان گفت که طالبان بزرگترین و بدترین وضعیت حقوق بشر در جهان را به وجود آورده است. خانم سحر صفا گفت که سازمان ملل بایستی نیروهای خود را به افغانستان فرستاده و کشورهای را که از طالبان حمایت می کنند تحریم اقتصادی کند. از زمان قدرت گیری

طالبان تعداد زنانی که در خیابانها برای کمک گرفتن دست دراز می کنند و کودکانی که در خرابه ها به دنبال غذا می گردند افزایش یافته است. تنها ۳ کشور که شامل پاکستان نیز می شود از دولت طالبان حمایت می کند. دو کشور دیگر عربستان سعودی و امارات متحده عرب است. بقیه در صفحه

پاکستان

دوشنبه ۴ سپتامبر: حدود ۵ ماه پیش دولت جدید نظامی پاکستان به زنان قول داد که قوانین تبعیض جنسی را منحل و با خشونت علیه زنان مبارزه خواهد کرد. هم چنین سوادآموزی زنان را رشد و گسترش خواهد داد (شرح در نبرد خلق شماره ۱۸۰) اما عملی کردن این قولها تا به حال کاری بس دشوار در این کشور فقیر بوده است. در این هفته دولت با تشکیل یک کمیسیون ملی به سرپرستی شاهین سوار پروژه خود را به طور جدی آغاز کرد. آقای سوار در یک مصاحبه گفت که ختنی کردن خشونت علیه زنان و فرم مستلزم کار سخت و اعتقاد و تعهد عمیق سیاسی است.

دولت جدید پاکستان با حمایت دادگاه عالی این کشور، بدون موافقت و یا بازنگری پارلمان، توانسته است در قانون اساسی اصلاحاتی ایجاد کرده و به مورد اجرا بگذارد. (پارلمان از اکتبر سال گذشته و قدرت گیری دولت نظامی تعطیل شده و یک کمیسیون رهبری با شرکت مقامات بلند پایه، فعالین حقوق بشر و مددکاران اجتماعی به جای آن تشکیل شده است).

یکی از مهمترین برنامه های این کمیسیون خاتمه دادن به قتلهای ناموسی است. آقای سوار می گوید که در این کشور که مردم سخت پایبند سنتهای قدیمی و قبیله ای هستند کار به کندی پیش می رود. او گفت قتل زنان توسط خانواده های خود کاری بی نهایت شرم آور است این عمل قتل عمد است و پس از این هیچ کس نمی تواند بدون مجازاتهای سخت از آن رهایی یابد. گروههای حقوق بشری اعلام کردند که در سال گذشته ۱۰۰۰ زن به دلیل ازدواج با مردی که خانواده شان مخالف آن بوده اند یا صحبت کردن با مردی غیر از افراد خانواده، یا حرکاتی از این قبیل توسط افراد خانواده به قتل رسیده اند. اکثر این قتلها در استانهای شمالی که مجاور کشور افغانستان است صورت گرفته است. یک فعال حقوق زنان به نام خانم فاقیه صدیق خوان

گفت «حرفهای این رژیم مثبت است اما آنها سابقه کوتاه آمدن با گروههای مذهبی را دارند». دولت جدید هم چنین قانون مجازات قتل را برای کسانی که به اسلام توهین می کنند لغو کرد. کمیسیون ملی هم چنین سوادآموزی دختران را در برنامه های عاجل خود قرار داده است. (در سطح کشور درصد با سوادان ۳۶ درصد و زنان ۲۴ درصد است). آقای سوار گفت که مردم روستاها سوادآموزی دختران را با غربی شدن یکی می دانند ما باید به آنها بفهمانیم که محروم کردن دختران خلاف آموزشهای اسلامی است.

زنان مصری و حق طلاق

در ماه ژانویه سال جاری قانونی در مصر به تصویب رسید که طبق آن زنان مصری که به هیچوجه نمی توانستند از شوهرانشان جدا شوند مگر آن که ثابت کنند با آنها بدرفتاری شده است، کاری که مستلزم سالها تلاش و انتظار بود، بالاخره حق طلاق به دلیل ناسازگاری را به دست بیاورند.

این لایحه قانونی برای زنان مصری تحولی شگفت بود و سبب خشم بسیاری از مردان شد. آنها پیش بینی می کردند که به زودی سیل عظیمی از زنان به دادگاههای خانواده سرازیر خواهند شد و معتقدند که این قانون سبب تلاشی خانواده ها می گردد. اما اخیراً پس از گذشت ماهها دادگاه خانواده مصر اعلام کرد که تغییری در تعداد درخواست زنان برای طلاق صورت نگرفته است و تنها در ۶ هفته اول ۱۳۰۰ زن در سراسر کشور درخواست طلاق کرده اند.

خانم مونا زولفکار از حمایت کنندگان این لایحه می گوید: «بسیاری از زنان هنوز نمی دانند چنین قانونی وجود دارد و یا مطمئن نیستند که واقعاً به نفع آنان کار خواهد کرد. زنان مصری تنها در شرایطی که تمامی راهها و امیدها کور شوند ممکن است به دادگاه مراجعه کنند. آنها هنوز نمی دانند که هم اکنون به راحتی می توانند از شوهرانشان جدا شوند بدون آن که مجبور شوند تمام زندگی خود را به خاطر یک اشتباه کوچک آن هم وقتی بسیار جوان بودند و یا ازدواجی که خانواده هایشان به آنها تحمیل کرده اند، هدر دهند». او معتقد است که در آینده تعداد زنانی که به دادگاه رجوع کنند افزایش خواهد یافت.

بقیه در صفحه ۷

زنان و مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۶

وضع زنان، زنگ خطری برای ژاپن

۶ سپتامبر: این روزها در پی مفقود شدن یک زن ۲۲ ساله انگلیسی که در یکی از میخانه های ژاپنی کار می کرده و حدود ۳ ماه است که مفقودالثر شده است، پرده از یک معضل بزرگ اجتماعی در این کشور برداشته شده است. این زن جوان به دعوت یک مرد ژاپنی و با وعده یک تلفن موبایل محل کار خود را همراه او ترک می کند و دیگر هرگز اثری از او یافت نمی شود. خانواده او با فعالیتهای همه جانبه، ظهور در تلویزیون سراسری ژاپن و پخش ۳۰ هزار تراکت با عکس او و مقرر کردن جایزه ای ۱۵۰ هزار دلاری برای یافتنش، این ماجرا را به موضوع روز در این کشور تبدیل کرده اند. به طوری که حتی توجه تونی بلر نخست وزیر انگلیس را نیز جلب کرده است. فعالان جنبش زنان دیرزمانی است که انتظار چنین روزی را می کشیدند تا وضع هزاران زن جوانی را که از کشورهای آسیایی به طور قاچاق به ژاپن برای کار در میخانه ها آورده می شوند را مطرح کنند. این زنان به قیمت ساعتی ۱۰۰ دلار به مردان فروخته می شوند. آنها به نام مهماندار استخدام می شوند اما به گفته یکی از زنان فعال در جنبش زنان اینها همان گیشاهای قرن هفدهم هستند. گرچه گیشاها در رشته موزیک، رقص و آتیکت آموزش می دیدند اما این زنها تنها باید قیافه زیبا داشته باشند برای مردان مشروب بریزند. به جوکهای آنان بخندند و سیگار آنها را روشن کنند و برای بستن قراردادهای دیگر مردان هدیه شوند.

به گفته یک زن فعال در جنبش زنان ژاپن «در این کشور خریدن زنان برای مردان کاری عادی و نرمال به حساب می آید».

زنان و انتخابات

رئیس جمهوری در امریکا

پنجشنبه ۷ سپتامبر: طبق آماري که پس از روز دوشنبه ۳ سپتامبر (روز کارگر و تعطیل عمومی در سراسر امریکا) از رأی دهندگان گرفته شده است، ال گور کاندیدای رئیس جمهوری از حزب دموکرات به خاطر اضافه شدن

طرفداران زن به مقدار ۶ درصد از جورج بوش جلوتر قرار گرفته است. به گفته آمارگیران، در تاریخ معاصر کشور امریکای شمالی تقریباً همیشه نتیجه آمار پس از روز کارگر، رئیس جمهور آینده را تعیین کرده است.

NIKE

دارای بزرگترین و استثمارگرانه ترین کارخانه های پوششهای ورزشی

فعالان حقوق بشر روز دوشنبه ۴ سپتامبر در استرالیا با دست زدن به اقدامات گسترده جهت افشای کارخانه NIKE از ورزشکاران بازیهای المپیک خواستند که از کارخانه های NIKE در اندونزی دیدن کنند. آنها در یک گزارش مشروح همراه با سند برای اثبات ادعاهای خود توضیح دادند که این کارخانه ها چگونه کارگران عضو اتحادیه ها و زنان کارگر را مورد آزار قرار می دهند. آنها می گویند که اعضاء اتحادیه ها به خاطر خطاهای کوچک اخراج شده و زنانی که درخواست مرخصی پزشکی می کنند را با انجام معاینه های بدنی شرم آور می ترسانند. آقای تیم کامز نویسنده (NIKE watch) در گزارش خود می نویسد که اخیراً این کمپانی ادعا کرده است که شرایط کاری را برای کارکنان خود بهتر کرده است اما این حقیقت ندارد. و جز در موارد بسیار کوچک اقدامی جدی صورت نگرفته است. NIKE دارای ۷۰۸ کارخانه و ۵۵۰ هزار کارگر است.

آقای جیم کیدی که در سابق مربی تیم فوتبال نیویورک بوده، پس از آن که از مقام خود به خاطر اختلافی که بر سر امتناع از پوشیدن محصولات NIKE می کند استعفاء می کند، در ماه اوت در یکی از کارخانه های این کمپانی در اندونزی مشغول کار شده و سعی می کند که با درآمد این کارگران که روزی ۱ دلار و ۲۰ سنت است زندگی کند. او می گوید: «می توانی زنده بمانی ولی نمی توانی زندگی کنی. من گرسنگی کشیدم، ۲۵ پوند وزن کم کردم و سراسر ماه را با درد گرسنگی و خستگی طی کردم». او گفت که کارگران در اندونزی باور نمی کردند که محصولاتی که می سازند به چه قیمت گزافی به فروش می رسد. او از همه ورزشکاران المپیک خواست که از این کارخانه ها دیدن کنند.

نقض حقوق بشر

در جهان

برده داری مدرن

حدود ۲۷ میلیون انسان با اشکال متفاوتی از بردگی در سراسر جهان زندگی و کار می کنند. این تعداد هر روز رو به رشد است. برخلاف آن چه در گذشته در امریکا مرسوم بوده، امروزه به طور عموم، افراد نژاد خودشان را به شکل برده استثمار می کنند. اما هنوز هم چنان که در گذشته در آمریکا رایج بوده است، برده داران از روشهای خشونت آمیز و تهدید و زور استفاده می کنند و مردم را به انجام کارهای بدون مزد یا مزد ناچیز وادار می کنند. اگرچه برده داری در همه کشورهای جهان غیر قانونی شده است اما به علت فساد در بین مقامات و نیروهای پلیس و مقامات دولتی این شکل استثمار هنوز ادامه دارد. بسیاری از مردم جهان از وجود این نوع برده داری بی اطلاع هستند. در جمهوری دومینیکن بردگان در مزارع نیشکر، در برزیل در صنایع فلزی و در تایلند خودفروشی و در ماریتانی و سودان استفاده از سیاهان برای بردگی در کشورهای توسعه یافته نیز دیده می شود. سازمان سیا اعلام کرده است که هر سال حدود ۴۵۰۰۰ زن با وعده های شغل خوب به آمریکا آورده می شوند که پاسپورتهاشان، پاسپورتهای دزدیده شده، هستند. قاچاقچیان آنها را به خودفروشی و خدمت در خانه یا مزارع و کارخانه ها یا مزد بسیار کم تبدیل به برده می کنند.

بنا به گفته سازمان ملل اکثر این بردگان یعنی حدود ۲۰ میلیون انسان از مردم آسیای جنوبی هستند که نیازهای شدید مالی دارند به این افراد لقب «یک بار مصرف» داده اند.

آقای کون بیلز که در دانشگاه سوری انگلیس تدریس می کند می گوید «معمولاً تمامی افراد یک خانواده که شامل کودکان نیز می شوند به خاطر مقروض بودن مخارج پزشکی و غیره به طور دسته جمعی برای بردگی منتقل می شوند که بسیاری از آنها تا نسلها به همین صورت زندگی می کنند».

تجارت برده بدین دلیل که فقر و بیکاری در جهان رو به رشد است تجارتی در حال رشد است. جهانی شدن تجارت، تجارتهای کوچک و محلی را از بین برده است. در بسیاری از کشورها

کودکان خصوصاً دختران باید درس و مدرسه را رها کرده و کار کنند. یک دختر در روستاهای شمال تایلند به قیمت ۲۰۰۰ دلار برای خودفروشی فروخته می شود که این مبلغ بالایی در آنجاست. یک تحقیق جامع در این مورد فاش کرده است که بسیاری از خانواده ها با آگاهی به این امر دختران خود را می فروشند. این دختران به کار خود ادامه می دهند تا وقتی که مبتلا به بیماری ایدز می شوند آن وقت به روستای خود بازگردانده می شوند تا با سرافکنندگی و خفت چشم از جهان ببندند.

با آن که برده داری عملی غیر قانونی است اما از میان برداشتن آن بسیار مشکل است. حتی ایالات متحده امریکا مجازات مشخص و روشنی برای قاچاقچیان انسان ندارد. علاوه این که معمولاً محکومین و شاهدان و قربانیان از کشور اخراج می شوند. برده داری و کار اجباری در کشورهایی که دولتمندان فاسد که ابایی از ناچیز کردن انسانها خصوصاً زنان ندارند بیشتر رایج است اما در برخی از کشورها اقداماتی صورت گرفته مثلاً در هند سیستم Caste به فقیران می آموزد که گول گروههایی که به آنها می خواهند کمک کنند را نخورند و با دادن وامهای کوچک و تعلیمات حرفه ای برنامه هایی برای کارگران ایجاد کرده اند که بتوانند بدهیهای خود را پرداخت کنند. هم چنین به آنها آموزش و تکه زمینی برای کار می دهند. اما دکتر Bales می گوید مقامات ملی و قاضیان معمولاً در این کار اختلال ایجاد می کنند.

مهمترین و اولین قدم برای مبارزه با برده داری آموزش و آگاهی است. دنیای توسعه یافته باید بداند که برده داری وجود دارد و بسیاری از وسایلی که ما استفاده می کنیم توسط این زنان و مردان و کودکان تهیه شده است. مردم جهان باید برده داری را به عنوان بخشی از رسوم و عادت کشورها بپذیرند و به آن به عنوان یکی از جدی ترین شکلهای نقض حقوق بشر بنگرند. ما باید همراه دیگر پیشستانان جنبش رهاییبخش مردم جهان در راه آگاهی بخشیدن و مبارزه با این فاجعه جهانی پیگیرانه حرکت و به دنبال راهها و ابتکارات جدیدی برای مبارزه باشیم.

منبع مورد استفاده: روزنامه

نیویورک تایمز ۹ سپتامبر

یادداشت و گزارش

الف.ش.مفسر

otanes_mofasser@yahoo.com

«قداست شکنی»

رویدادهای یک هفته‌ی خرم آباد که به لحاظ طول مدت، بعد از تظاهرات دانشجویان در تیرماه ۷۸ بزرگترین بود، یکباردیگر زمین را زیر پای رژیم لرزاند، اما در مجموع چنان بود که باید طعم شیرین ولایت فقیه را برای سینه چاکان ولایت مطلقه‌ی خامنه‌ای، به تلخی تبدیل کرده باشد. این بار هم جرقه از اصطکاکها و کشمکشهای جناحی رژیم پرید، اما مثل اغلب تظاهرات و شورشهای یکی دو سال گذشته، همین عامل فرصتی برای مردم پیش آورد که شعله‌های خشم و کین علیه رژیم برافروزد. این شعله‌های خشم و کین در خیابانها زبانه کشید و در حمله به ساختمانهای دولتی و بانکها به ظهور رسید. در طول چند روز تظاهرات خرم آباد، رادیو فرانسه مصاحبه‌هایی با اهالی خرم آباد داشت و در آن از چند و چون مساله و چگونگی اوضاع سوال شد.

یکی از مصاحبه‌شوندگان ضمن شرح چگونگی ماجرا و تبدیل آن به تظاهراتی در سطح شهر علیه رژیم گفت که شرکت کنندگان در تظاهرات «به آقای خامنه‌ای و وزیر کشور فحش می‌دادند». طبعاً بنا بر عرف و ادب رایج بین ایرانیان در یک مصاحبه رادیویی نمی‌شود فحش را بیان کرد، اما مردم می‌دانند و به لحاظ اطلاعاتی حتماً از طریق گزارشهای ویژه به اطلاع مقامات اطلاعاتی، «فقه‌های محترم شورای نگهبان»، ریاست صدا و سیما، جمهوری اسلامی، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شخص خامنه‌ای رسیده است که در تظاهرات خرم آباد از جمله شعارهایی که داده شد این بوده است «توب تانک فشفشه خامنه‌ای جاکشه». این شعار البته شعاری سیاسی نیست مؤدیانه هم نیست، اما در «فرهنگ کوچه» نوعی «گفتمان» جنگی و برای ابراز خشم و نفرت و توهین و تحقیر است که شرکت کنندگان خشمگین در تظاهرات خرم آباد، این گفتمان را با «شفافیت» به شیوه جدال خیابانی به کار گرفته‌اند. از سوی دیگر این شعار نسبت به شعار «توب تانک فشفشه اخوند باید کشته شه» که در تظاهرات تیرماه سال ۵۸ که

در تهران سنیده شد، هدفیابی دقیق تری دارد و آن نشانه رفتن به سوی ستون خیمه نظام ولایت فقیه است. رویداد های خرم آباد که کتک خوردن دو س از مقامات رژیم در حرم آباد و کشته شدن یک مأمور حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی و زخمی شدن تعدادی از آنها را در پی داشت، پرونده دیگری بر پرونده های متعدد در دعوای دو جناح افزود. در این ماجرا مثل رویداد های دو سال گذشته جناح ولی فقیه و شخص خامنه‌ای زیان بیشتری دیدند. عملیات نظامی رزمندگان مجاهد به ویژه چهارم ردن به پادگان حشمتیه همزمان با این رویداد، به آتش اختلاف دو جناح بیشتر دامن زد، از جمله وزیر ارشاد رژیم جناح مقابل و بر هم زدن گان گردهمایی دفتر تحکیم وحدت را متهم به همسویی با اقدامات براندازی علیه رژیم کرد. از آن طرف سرمقاله نویسن رسالت شعارهای دفتر تحکیم وحدت در رویدادهای خرم آباد را مهم و قابل تأمل دانست و نوشت، «دو شعار دفتر تحکیم وحدت، حونی که در رگ ماست هدیه به میهن ماست و شعار حسین حسین شعارمست خاتمی افتخارمست، قلب شده‌ی دو شعار معروف و بسیار مهم انقلاب اسلامی، یعنی حونی که در رگ ماست، هدیه به رهبر ماست و حسین حسین شعار ماست شهادت افتخارمست، می باشد». مقاله نویسن رسالت این اقدام را یک حرکت فرهنگی حساب شده دانست و به ویژه روی تغییر شعار دوم انگشت گذاشت و نوشت: «تغییر شعارهای انقلاب و تغییر فرهنگ شهادت به نام رئیس جمهور، قطعاً نشان از تغییر ماهیت ایدئولوژیک این جنبش دانشجویی دارد و نمی‌توان همانند سه سال گذشته تحت عنوان مبارزه با جناح راست، انحرافات فکری و سیاسی در لایه های درونی این جریان دانشجویی را استتار نمود». رسالت این انحرافات را «گرایش به سکولاریسم و بیماری مهلک که اساس حکومت دینی و انقلاب را نشانه رفته، دانسته و آخرداریها و روشنفکران دینی و دوستداران انقلاب از هر دو جناح را به درمان آن فرخوانده است». (رساله ۷ شهریور). رسالت در سرمقاله شماره ۸ شهریور اتهام سنگین دیگری به دفتر تحکیم وحدت وارد کرد و نوشت «مواضع دفتر تحکیم و بخشهای وابسته به آن فاصله زیادی با قواریان خارج از کشور ندارد...» مقاله نویسن رسالت در توجیه و دفاع از اقدام برهم زندگان گردهمایی دفتر تحکیم وحدت نوشت «اردوی تحکیم در مشهد و

سپس در گرگان تصویری از رفتار گروههای برانداز را به نمایش می‌گذارد و همین امر باعث تغییر نگاه مردم به تحکیم شده. «رسالت مدعی شد که» بر اساس اخبار واسله چند عضو دفتر تحکیم هنگام حمله به پادگان امام حسین این شهر (خرم آباد) دستگیر شده‌اند. آیا حمله به پادگان و تصرف و زدن به جنگ مسلحانه است. مگر در خیابانهای حرم آباد آشوبگران و هواداران تحکیم با گلوله به جان مردم و نیروی انتظامی نیفتاده‌اند؟ اما دفتر تحکیم وحدت در قداست شکنی در همین حد متوقف نشد. این تشکل در نامه‌ی سرگشاده‌ی به خامنه‌ای، از او خواست که با توجه به این که گروههای مهاجم به تجمعات، اقدامات خود را به طرفداری از او انجام می‌دهند، نسبت به رویدادهای خرم آباد که مهاجمان با همین داعیه وارد عمل شده بودند، موضعگیری کند. کسانی از سخنگویان این تشکل دولتی در مصاحبه با رادیوهای فارسی زبان تأکید کردند که خواهان شفافیت موضع خامنه‌ای در این مورد هستند. این امر در واقع نوعی تعیین تکلیف برای «مقام معظم رهبری» از طرف یک تشکل دانشجویی وابسته به نظام بود. اقدام دیگر حرمت شکنانه‌ی دفتر تحکیم وحدت، نامه‌ی سرگشاده به سپاه پاسداران بود که در آن سعی شده بود، حساب بدنه‌ی سپاه، که دفتر تحکیم وحدت آن را در کنار «اصلاح طلبان» قرار داده بود، از فرماندهان جدا شود. علت نوشتن این نامه آن بود که گروهی از شرکت کنندگان در اردوی دفتر تحکیم وحدت، هنگام بازگشت به شهرهای خود در بین راه مورد یورش افراد سپاه قرار گرفته و مضروب شده بودند. روزنامه جمهوری اسلامی وابسته به خامنه‌ای در واکنش به این نامه نوشت: «دفتر تحکیم وحدت با انتشار نامه سرگشاده‌ی خطاب به سپاه پاسداران، این نهاد انقلابی را متهم به دست داشتن در غائله خرم آباد نموده است، در این نامه سعی شده است نیروهای سپاه، به دو دسته تقسیم شوند و چنین وانمود گردد که بدنه‌ی سپاه رده‌های فرماندهی همخوانی ندارد، سیاست ایجاد تفرقه در نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بیش از دوسال است که توسط عناصر تجدید نظر طلب، پیگیری می‌شود و نامه‌ی دفتر تحکیم وحدت، گام جدیدی در

اعمال این سیاست تفرقه افکنانه است.»

صدای شکستن قداست رهبر، که قبلاً در تظاهرات تیر ماه سال ۷۸ با شعار خامنه‌ای حیاکن سلطنتو رهاکن چنان رسا درام القرائی اسلام طنین افکن شده بود که به گوش جهانیان نیز رسیده بود و سران رژیم نمی‌توانستند انکار کنند - چنانکه رفسنجانی به آن اعتراف کرد- در رویداد های مرداد و شهریور امسال باز هم بلند شد و این البته به نامی دفتر تحکیم وحدت به خامنه‌ای که قبلاً به آن اشاره شد، محدود نمی‌شود. واکنشهایی که نسبت به اقدام خامنه‌ای در ارسال امریه به مجلس نشان داده شد، به وضوح انتقاد از خامنه‌ای، گاه با بیان تند و تیز بود. اگرچه در اکثر موارد در این اعتراضات و انتقادات، خامنه‌ای مستقیماً و با ذکر نام مخاطب قرار نگرفت ولی به طور مثال واکنش پورنجانی رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس، که طرح اصلاح قانون مطبوعات در آن کمیسیون تهیه شده بود، - طرحی که با حکم حکومتی خامنه‌ای کنار گذاشته شد - و اظهارات او در رد نظر خامنه‌ای مبنی بر خلاف شرع و مصلحت نظام بودن آن طرح، باید آوری سوابق اعضای کمیسیون فرهنگی در رژیم و خدامتشان بخردادی از این اقدام خامنه‌ای که آنرا شکستن حریم مجلس دانستند، نامه ۱۶۱ نفر از نمایندگان مجلس به ملت ایران که از تریبون مجلس خوانده شد و در آن یاد آور شده بودند که: «متحجران از نا امید سازی مردم دست بردارند چون مردم در صورت نا امیدی به سوی انحصار طلبان نخواهند رفت»، با اظهارات قاسم سلعه سعدی از اعضای تشکل نمایندگان آذوار مجلس، که در مصاحبه با رادیو بی بی سی در ۲۳ مرداد به صراحت مداخله خامنه‌ای را در کار مجلس با دستاویز قراردادن خلاف شرع و خلاف مصلحت نظام بودن طرح مورد بحث، بی ربط دانست و یاد آور شد برای تشخیص این دو مساله دو نهاد شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت وجود داشت، همه اینها مواردی بود که برای ولی امر سابق که خمینی بود، هرگز پیش نیامد و از عناصر نظام کسی جرأت چنین انتقادی علنی از او نداشت. وقتی خامنه‌ای رئیس جمهور بود در بحث مربوط به قانون کار اختلافاتی بین خط امامیها و جناح فقه سنتی آن زمان بقیه در صفحه ۹

یادداشت و گزارش

بقیه از صفحه ۸

(جناب هارکتونی) بروز کرده بود، خامنه ای دردیماه سال ۶۶ در نماز جمعه برداشتهای خود را از دیدگاه خمینی در مورد حدود اختیارات دولت اسلامی که در جهت تأیید مواضع جناح فقه سنی بود، به عنوان نظرات «امام» در این زمینه ارائه کرد. این سخنان مورد انتقاد شدید خط امامها قرار گرفت و خامنه ای ناچار شد در نامه یی از خمینی بخواهد نظرش را در رد یا تأیید صحت برداشت و اظهارات او در نماز جمعه بیان کند. خمینی در پاسخ چنان تیزی به ریش خامنه ای بست که او سراپا بور شد. غلظت و شدت واکنش خمینی سبب بیماری خامنه ای شد به نحوی که او نتوانست در سمینار سراسری ائمه جمعه که به فاصله زمانی کمی از این جریان برگزار شد، شرکت کند. خمینی در پاسخ به خامنه ای از جمله نوشت: «تعبیر به آن که اینجانب گفته ام حکومت در چارچوب احکام الهی دارای اختیارات است، به کلی برخلاف گفته های اینجانب است... باید عرض کنم حکومت که شعبه یی از ولایت مطلقه ی رسول الله (ص) است یکی از احکام اولیه ی اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعی و حتی نماز و روزه و حج... حکومت می تواند هر امری را چه عبادی یا غیر عبادی،... حج را که از فرائض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف مصالح کشور اسلامی دانست، موقتا جلوگیری کند. آنچه گفته شده تاکنون یا گفته می شود، ناشی از عدم شناخت ولایت مطلقه ی الهی است...». احتمالا تکبر خامنه ای در برابر آخردادیهها (که اکثر آنها خط امامیههای سابقند) و مواضع قلدرمنشانه ی او نسبت به روزنامه نگاران آخردادی، بی ارتباط از عقده ی حقارتی که از آن زمان در او ایجاد شده بیست.

تودهنی به رفسنجانی

رفسنجانی یکبار بعد از سخنان خامنه ای در مصیبت تهران علیه مطبوعات آخردادی که به تعطیلی فله یی آنها منجر شد، در نماز جمعه اوضاع کنونی رژیم را مثل سال ۶۰ ارزیابی کرد که این سبب خشم آخردادیهها شد و تودهنیههای متعددی از آنان دریافت کرد. اما رفسنجانی دست بردار نیست و از رو نمی رود. او این بار برگزاری اجلاس مجلس خبرگان را برای سر بر آوردن از اعماق بیت الخلائی که در جریان انتخابات در آن فرو افتاده، مناسب دید. ولی این بار هم تودهنیههای

محکم و پشت سرهمی از آخردادیهها دریافت کرد. آخردادیهها به آن قسمت از سخنان او در نماز جمعه ۱۱ شهریور معترض شدند که گفت: «شواهد و قرائنی که خبرگان را واقعا نگران کرده بود این است که در شرایطی که قرار گرفته ایم دیگر با تعارف و مجامله نمی شود مسائل کشور را بگذاریم اینجوری جریان داشته باشد...» روزنامه حیات نو نظرات کسانی چون حجت الاسلام بیات که خود عضو شورای بازنگری قانون اساسی بوده، آخوند محمد باقر ذاکری از نمایندگان چند دوره ی مجلس و قوامی عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس را در این مورد منعکس کرد که همگی با یاد آوری این که مجلس خبرگان هیچ اختیاری برای دخالت در امور جاری کشور ندارد و منحصرأ اختیاراتش مربوط به انتخاب رهبر و رسیدگی به عملکرد رهبر است، رفسنجانی را مورد حمله قرار دادند و به او فهماندند که غلطهای زیادی کرده است. آخوند مجید انصاری نماینده آخردادی مجلس و عضو مجلس خبرگان با یاد آوری این که نظرات در مجلس خبرگان در مورد راههای رفع نگرانیهای کنونی انگونه که رفسنجانی مدعی شده یکدست نبوده و اختلاف نظر در این زمینه وجود داشته است، به طور ضمنی رفسنجانی را متهم به دروغگویی و تحریف مذاکرات سری مجلس خبرگان کرد. اما اظهارات علی هاشمی عضو شورای مرکزی کارگزاران سازندگی، وجه دیگری از مسأله را می نمایاند و آن این که موضعگیری و اظهارات رفسنجانی که آخردادیهها آنرا هذیان آلود می یابند، از یک عامل مهم ناشی می شود و آن ترس از سرنگونی نظام است. علی هاشمی در مورد اظهارات رفسنجانی به خبرنگار پارلمانی حیات نو گفته است: «هن در این مورد سه مرتبه با ایشان صحبت کرده ام، آقای هاشمی به شدت نگران از دست رفتن نظام است... آقای هاشمی فکر می کند که جنبش اجتماعی که در سال ۵۶ دین خواه بود و نظام شاه را سرنگون کرد، امروز به گونه یی دیگر در حال شکل گیری است.» ترس از سرنگونی نظام، در واقع ترسی است که اکنون گریبانگیر هر دو جناح رژیم است، منتها اختلاف دو جناح بر سر اتخاذ روشهایی که می تواند رژیم را نجات دهد چنان شدید است که به قول رفسنجانی تیشه به ریشه نظام می زند. یکی جناح هار است که گمان می کند با تشدید سرکوب و بسته کردن هر چه بیشتر فضا، رژیم می تواند دوام بیاورد. این جناح مثلا با ممنوعیت ورود نیروی انتظامی به دانشگاه مخالف است و مهندس تون تاب

میرسلیم وزیر ارشاد رفسنجانی و پاسدار شریعتمداری به صراحت در این مورد موضع گرفته اند. این جناح کسانی مثل کدیور و عبد الکریم سروش و تشکل دولتی دفتر تحکیم وحدت را در خط براندازی می داند و از گرفتن و بستن خودیهای منتقد، رویگردان نیست. اما جناح آخردادی به این نتیجه رسیده که فشار و اختناق بیشتر، زمینه ی رشد نیروهای برانداز رژیم را مناسب تر می کند و «جامعه ی تک صدایی سبب انفجار اجتماعی می شود.» به همین علت است که شیوه ی دلجویی و به کار گرفتن زبان نرم و دخالت کمتر در زندگی خصوصی مردم و به اصطلاح جلب مردم به مشارکت را تنها راه بقای رژیم ارزیابی می کند. چنین است که این دو جناح عمده نیروی خود را صرف خنثی کردن یکدیگر می کنند و این البته شرایط مناسبی برای فوران اعتراضات اجتماعی به وجود می آورد. بی اعتنائی مردم تهران به فراخوانی که از سوی آخردادیهها برای استقبال از خاتمی در بازگشت از نیویورک داده شده بود، شکست مفتضحانه یی برای آخردادیهها بود که با شکست مفتضحانه ی رفسنجانی در انتخابات مجلس قابل مقایسه است. این تجربه باید این نکته را به آخردادیهها فهمانده باشد که این مردم در دجال شناسی و شناسی یگانه و سرآمد روزگار شده اند و اگر در چند مورد انتخابات، سبب شدند که آخردادیهها با در صد چشمگیری جناح هار را از میدان بدر کنند، صرفا به خاطر مصرف موردی از آخردادیهها به عنوان ضربه گیر در برابر جناح هار بود، و الا مردم عاشق چشم و ابرو یا لیخند هیچکس نیستند به ویژه اگر طرف از ناکسان دست اندر کار رژیم ولایت فقیه باشد. آنچه که مردم می خواهند و رفسنجانی خوب فهمیده این است که خواهان آند که آخوندها گورشان را گم کنند.

پوزش و تصحیح

در یادداشت شماره پیش چند غلط چاپی وجود داشت که با پوزش از خوانندگان به ترتیب زیر اصلاح می شود:

در صفحه ۷ ستون چهارم سطر ۲۱، نمی کرد غلط است و جمله به این ترتیب صحیح است... و دورنگه داشتن روشنفران و هنرمندان از پذیرفتن نقش کارگزار برای محافل قدرت... چنانکه خود عمل می کرد.

در ستون پنجم همان صفحه در سطر ۴۲ کلمه ترمها غلط است. جمله صحیح این است: آن گاه این کلام آلوده به تمهیدهای ارجمندی اطلاق خواهد شد...

مصرع اول شعر پایان مطلب این نیز است: چرخ برهم زبم ار غیر مرادم گردد

ادبیات ایران در هزاره دوم

بقیه از صفحه ۱۰

علی باور داشتند. شریکیه اعتقاد داشتند محمد و علی در رسالت شریکند. غالبان عمیره نیز چون بزیغیه امام ششم را خدا می دانستند. گروهی بنام غمامیه اعتقاد داشتند علی خداست و در ابر حانه دارد و چون از ابری رعد و برق جستن می کرد به سوی آن نماز می خواندند. اینها گروههایی از انواع و اقسام گروههای غالبان بودند که در آن روزگار در تضاد با اسلام دولت اموی و سایر مکاتب موجود در گوشه و کنار افکار خود را تبلیغ می کردند و مراکز و مجامع خاص خود را داشتند.

ادامه دارد

بهره لازم از قصاص

رادیو رژیم ۱۴ شهریور: شاهرودی با ابراز تأسف از جسور شدن اشرار و بزهکاران به تراکم پرونده های قصاص در اجرای احکام اشاره و تأکید کرد، لازم است از روایات و متون فقهی، آداب اجرای حد و قصاص استخراج شود و تشریفات رسیدگی به قتل و اجرای قصاص بر آن اساس سامان یابد. وی افزود، متأسفانه ما شعار لایحه قصاص و هزینه آن را داده ایم، ولی بهره لازم را از آن نبرده ایم. در این جلسه مقرر شد درباره ی سرعت اجرای قصاص و احیای تشریفات آن مطالعاتی صورت گیرد و پس از بررسی در جلسات آینده، بخشنامه های لازم تنظیم و ابلاغ شود.

ادبیات ایران در هزاره دوم

نگاهی به گذشته و اشاره‌ی به هزار سال مبارزه فرهنگی (۹)

— اسماعیل وفا یغمایی

خوارج

در دوران پایانی حکومت امویان، خوارج بخش عظیمی از ناراضیان را در نقاط مختلف ایران تشکیل می‌دادند و علیرغم این که در طول دوران اموی بارها و بارها مورد سرکوبهای خشن و خونین قرار گرفتند از بین نرفتند و هر از چند گاه یکبار در گوشه ای علم شورش های خونین علیه حکومت اموی را بر می افراشتند.

در پایان دوران اموی صد سال از ظهور خوارج به عنوان یکی از گروههای مسلمان می گذشت. طلایه خوارج با جنگ صفین و داستان حکمین و اعتراض آنها و مخالفت یکسان با علی و معاویه پیدا شد. نخستین پیشوای آنها عبدالله ابن وهب جاسی بود و سر انجام ترور علی ابن ابیطالب به دست این گروه انجام شد. پس از آن و تا پایان دوره اموی اسناد تاریخی بیانگر شورش های خشن و خونین گروههای شهری و روستایی خوارج در نقاط مختلف ایران از جمله نواحی جنوب ایران، کرمان، جیرفت، کازرون، بحرین، طبرستان، سمنان و سایر نقاط ایران است. طی این مدت دهها هزار نفر به دست خوارج به خشن ترین وضع کشته شدند و در مقابل نیز توده های گسترده ای از خوارج به قتل رسیدند. تنها در یک کشتار از خوارج دربحرین در سال ۷۳ هجری شش هزار تن از خوارج گردن زده شدند ولی کار آنها به پایان نرسید. تصویر خوارج در ایران با چهره عبدالرحمان ابن ملجم در امیخته و معمولا این چهره منفور و منفی عاطفی، برای عموم، چهره سیاسی و اجتماعی آنها را پنهان می دارد ولی واقعیت این است که خوارج با این ملجم به پایان بر رسیدند و در او خلاصه نمی شوند. خوارج یک نوع تفکر سیاسی و مذهبی را طی یک قرن در میان بخشهای گسترده از مردم ناراضی شهری و روستایی نمایندگی می کردند و در طول دوران اموی بارها و بارها آماج خشن ترین کشتارها توسط حکومت وقت و عمال آن به ویژه حجاج ابن یوسف و یزید ابن مہلب

دوتن از خونریز ترین چهره های آن ایام شدند.

از نظر اعتقادی و مذهبی خوارج افرادی بسیار مومن و خشک و خشن بودند. آنان در روزه گرفتن، شب زنده داری، ریاضت کشی، خواندن قرآن و دوری از گناهایی که اخلاق شخصی آن ها را می آلود بسیار کوشا بودند. ایمان خشک و قوی آن ها آمیخته با کوتاه بینی هایشان و نیز اینکه در برابر حاکمان بیرحم اموی خود را محق و مظلوم و قربانی می دیدند از آنها انسانهایی با ثبات و سرسخت در اعتقاد و ترس و بیباک در میدان جنگ ساخته بود. اسناد تاریخی نشان می دهد که خوارج نه از کشته شدن می ترسیدند و نه از کشتن، حتی در بسیاری از موارد از کشتن کودکان و زنان پروایی به خود راه نمی دادند. امامت و پیشوایی در بین خوارج انتخالی بود، آنها می توانستند پیشوای خود را خلع کرده او را بکشند و دیگری را به جای او بر گزینند. یکی از شاخه های افراطی خوارج به نام ازرقه از پیروان نافع ابن ازرق اعتقاد داشتند: هر کس چه مسلمان و چه غیر مسلمان اگر مرتکب گناهی بشود، چه صغیره و چه کبیره، خود او و زن و فرزندانش باید کشته شوند. اینان که در اطراف رود کارون و در حوالی بصره علیه دولت اموی شوریده بودند این قوانین خشن را به مورد اجرا در می آوردند. فرقه دیگری از خوارج که صفریه خوانده می شدند و از شاخه های معتدل تر بودند اعتقاد داشتند که در صورت ارتکاب گناه خود شخص باید کشته شود ولی اطفال شخص گناهکار را نباید کشت. گروه دیگری از خوارج به نام نجدیه اعتقاد داشتند در صورت ارتکاب گناه فرد گناهکار مشرک محسوب می شود. در دوران اوجگیری نهضت ها و شورش ها همواره خوارج به عنوان گروهی مصمم و جنگجو حاضر بودند و اعلام آمادگی می کردند. در دوران یحیی فرزند زید که در خراسان علیه امویان پرچم شورش بر افراشت، سرخس در خراسان یکی از مراکز خوارج بود. خوارج سرخس برای قیام علیه امویان دست اتحاد به سوی یحیی دراز کردند ولی یاران یحیی او را از اتحاد با خوارج بر حذر داشتند. به احتمال زیاد اتحاد یکی از نوادگان علی با ادامه تاریخی کشندگان علی در خراسان که یکی از مراکز اصلی حمایت از علویان بود تاثیر عاطفی ناخوشایندی داشت و به احتمال زیاد ابومسلم نیز در اتحاد با خوارج و استفاده از آنها با چنین

مشکلی مواجه بود زیرا تیغ بر کشیده و خونریز خوارج نه تنها عمال حکومت اموی بلکه در بسیاری موارد مردم عادی را طعمه خود می کرد.

کیسانیه

کیسانیه جماعت گسترده ای از شیعه بودند که محمد ابن حنفیه فرزند علی ابن ابیطالب را پس از واقعه کربلا امام و پیشوا و جانشین حسین ابن علی دانستند و به او گرویدند. در جریان قیام علیه کشندگان حسین ابن علی، مختار با هوشیاری و به نام محمد ابن حنفیه مخالفین را زیر پرچم خود گرد آورد. نام کیسانیه مشتق از لقب مختار است که او را کیسان می نامیدند. برخی از اسناد می گویند کیسان نام غلامی از غلامان علی ابن ابیطالب -- کیسان ابو عمرو -- بود که به مختار پیوست و فرمانده غلامان شورشی در ماجرای قیام مختار بود.

کیسانیه اعتقاد داشتند حق امامت علی ابن ابی طالب حقی روحانی است و بعد از فرزند دوم به محمد ابن حنفیه منتقل شده است. پس از پایان کار و قیام مختار، کیسانیان اندک اندک به یک جنبش صرف مذهبی تبدیل شدند و پس از در گذشت محمد حنفیه در سال هشتاد هجری چندین انشعاب در این جماعت به وجود آمد.

شماری از کیسانیان معتقد بودند امامت پس از محمد ابن حنفیه به فرزند او علی منتقل شده است. گروهی دیگر به هواداری از پسر دیگر ابو هاشم برخاستند و گفتند او ست که علوم غیبی لازمه امامت را از پدر به میراث برده. پس از مرگ ابو هاشم جماعتی از کیسانیان تبلیغ کردند که ابو هاشم پیش از مرگ حق امامت را به سر دودمان عباسیان تفویض کرده است. این شاخه از کیسانیان عملا در خدمت امام محمد ابن علی عباسی و اهداف سیاسی او قرار گرفته و سر انجام تحت نام راوندیان در قیام ابو مسلم نقش موثری ایفا کردند. فرقه دیگری از کیسانیه اعتقاد داشتند که محمد ابن حنفیه نمرده است و به زودی پایان جهان فرا خواهد رسید و او از غاری در کوه رضوی در حوالی مدینه ظهور خواهد کرد و جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود. کیسانیان اعتقاد داشتند جهان و اشیای از سه عنصر آب خاک و آتش تشکیل شده اند. اکثر یت شیعیان به ویژه باز ماندگان حسن ابن علی و حسین ابن علی به کیسانیان نظر منفی داشتند.

غالیان

در روزگار شکل گیری نهضت سیاه جامگان غالیان با شاخه ها و شعبه های ریز و درشت خود مجموعا نوعی اندیشه و نگاه راز آلود و در بسیاری مواقع عجیب و غریب را تبلیغ می کردند که محور آن در بسیاری از موارد علو در باره مقام علی ابن ابیطالب بود. غالیان مقام علی را تا مرتبه خدایی بالا می بردند. شماری از غالیان به خدایی علی معتقد بودند و نوشته اند که شماری از غالیان از زمره کسانی بودند که اساسا به اسلام و علی هیس اعتقادی نداشتند. این دسته ایرانیانی بودند که در خشم از اسلام و سلطه آن بر ایران با تبلیغ غالیگری و خدایی علی و نشر اعتقاداتی از این قبیل سعی می کردند بنا و بنیان اسلام را سست و متزلزل کرده و انرا هر چه بیشتر شاخه شاخه وضعیف کنند. پنجمین و ششمین پیشوای شیعیان به ویژه کوشش می کردند از نشر غالیگری جلوگیری کنند.

غالیان گوناگون بودند و بعدها بیشتر از پیش شاخه شاخه شدند. برخی از آنها به خدایی محمد و علی اعتقاد داشتند. گروهی می گفتند روح خدا در اصحاب کسا (محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین) حلول کرده و هیچ تفاوتی بین آنها نیست این گروه تائید را از آخر فاطمه حذف کرده و او را فاطم می نامیدند تا در نام نیز تفاوتی با چهار تن دیگر که مرد هستند نداشته باشد. گروهی از غالیان بنام امریه اعتقاد داشتند علی و محمد در رسالت با هم شریکند. غالیانی که بزغیه نامیده می شدند و خود از شاخه های عالیان خطایه بودند ششمین پیشوای شیعیان را خدا می دانستند. غالیانی که به بیانیه معروف بودند به تناسخ اعتقاد داشتند. گروهی از آنها بنام مخطه معتقد بودند سلمان پارسی پیامبر است. شاخه ای از غالیان که به حارثیه معروف بودند می گفتند هر کس امام وقت را بشناسد انجام هر کاری برای او مجاز است. گروهی بنام زمامیه از دشمنان و لعن کنندگان جبرئیل بودند. آنها اعتقاد داشتند جبرئیل مامور بوده و حر را به علی ابن ابیطالب ابلاغ کند ولی او آن را به محمد ابلاغ کرده است. غالیانی که به ذمیه اشتهار داشتند با پیامبر اسلام به شدت دشمن بودند زیرا اعتقاد داشتند که پیامبر حق علی را غصب کرده است. گروه رجعیه به رستاخیز مجدد

اصلاحات در چارچوب حکومت مذهبی ممکن نیست!

- اناهیتا . الف

anahita_2002@yahoo.se

امروز که کنش و واکنشهای جناحی درون رژیم منفور مذهبی وسعت بیشتری به خود گرفته و جنبشهای اجتماعی نیز هر روز اشکال جدیدتر و رادیکالتری به خود می‌گیرد، هر دو جناح برآنند که اصلاحات را معنی کنند خاتمی می‌گوید: «دیدگاه کنار گذاشتن دین از سرنوشت جامعه "سکولاریزم" تمام تجربیات تاریخی مردم ایران در صد سال گذشته را با ناکامیهای فراوانی روبرو کرده است و اگر به آن توجه نکنیم، انقلاب اسلامی شکست خواهد خورد» (ایران - ۲۷ مرداد ۷۹).

آقای خاتمی یا توسط ضربات جناح ذوب در ولایت فقیهه گیج و منگ شده و یا این که...

بعد از انقلاب فرانسه سکولاریزم به عنوان یک اصل در دستور کار نیروهای اجتماعی قرار گرفت و رسمیت پیدا کرد و بدین ترتیب دست مداخله ارباب و شاه و خرافات از زندگی مردم کوتاه شد و حق شهروندی به رسمیت شناخته شد. در جهان کنونی سکولاریزم به عنوان یک طرح مسلط اوئین قدم در راه اصلاحات است. "سکولاریزم" به معنای خارج کردن قدرت و اختیارات قانونی و قضایی از دست مذهب و نهادهای تابع آن است. بحث در مورد جامعه عرفی و سکولاریزم از دوران رنسانس و رنرم مذهبی در اروپا آغاز و در استانه انقلاب کبیر فرانسه به یک اصل اساسی برای حکومت تبدیل شد. در طی این پروسه، مذهب توسط طبقه بالنده اهمیت خود را از دست داد و توضیحات عقلانی و منطقی از سیر واقعیات جای توضیحات مذهبی و خرافی را گرفت. سکولاریزم با تغییرات اجتماعی همانند پیشرفت علم، رشد معلومات عمومی افراد، صنعتی شدن ابزار تولید و شهرنشینی رابطه بی مستقیم دارد.

در طی سالهای ۱۹۵۰-۱۹۶۰، زمانی که کشیشها در کلیسا از سکولاریزم تصویری منفی به جامعه ارائه می‌دادند افرادی مانند Harvey

و Dietriche Bonhoffه طرح جدایی دین از دولت را یک طرح قانونی و درست ارزیابی کردند. در سال ۱۹۶۰ طرح رادیکالتری عنوان شد، که می‌گفت: «خدا مرده است، توجه افراد زیادی را، مخصوصاً در آمریکا به خود جلب کرد.» (۱)

باید به خاتمی گفت که در تاریخ صد ساله اخیر، ما یک دولت سکولار به معنای واقعی نداشته ایم و همیشه روحانیت در سیاست دولت دخالت کرده و تأثیر مستقیم داشته و یا شاه، یک شاه تنوکرات (دین سالار) بوده است. عجیب نیست که خاتمی در همان جا ادامه می‌دهد که: «مقوله اصلاحات در جمهوری اسلامی فقط در چارچوب نظام و قانون اساسی و در جهت دستیابی به انقلاب اسلامی مورد نظر مردم است.» خاتمی با پرویی تمام از طرف مردم سخن می‌گوید و معلوم نیست منظور شما کدام مردم است؟! او نمی‌داند که یکی از آرمانهای روشنفکران ایران از آستانه انقلاب مشروطه تاکنون رهایی یافتن از قید و بندهای استعماری شاه و ملا و یا هر ایدئولوژی دیگر بود. به طور قطع این بار پیوند جنبشهای اجتماعی با مقاومت، دست مداخله خرافات و جهل و نادانی ملایانی هم چون خامنه ای و خاتمی را از سرنوشت و زندگی مردم کوتاه خواهد کرد و این نه تنها تجربه تلخی برای آنها بلکه برای تمام کلان سرمایه‌داران بازار و نوکیسه‌هایی خواهد بود که سالهاست از اخور همین رژیم تغذیه کرده و پرورار شده‌اند. جناح خامنه‌ای که خواستار تقویت بورژوازی دلالی و یک جامعه وابسته به بازار هستند، شیوه فشار، ترور و چماق را در رأس کارشان قرار داده‌اند و جناح خاتمی، یعنی بروکراتها و تکنوکراتهایی که در درون همین رژیم رشد یافته‌اند، زنگ خطر بحران ساختاری همه جانبه را شنیده‌اند و قصد دارند نظام را با پیوستن به سیستم سرمایه‌داری جهانی و حمایت خارجی از بن بست خارج کنند و بدین طریق دست به بستن قراردادهای ننگین یک طرفه و زبان‌آور با شرکتهای خارجی، زیر پوشش گفتگوی تمدنها و تحت نام به اصطلاح جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌زنند و قصد دارند صورت کریه نظام را این گونه بزک کنند و دم از اصلاحاتی در چارچوب نظام می‌زنند. اما راه برون رفت از این بحران این نیست، بلکه در تدوین یک برنامه

ملی، عملی و واقع‌بینانه در راستای تامین منافع ملی امکان پذیر است که اینان به می‌توانند و نه می‌خواهند به آن مبادرت کنند، زیرا قصد اینان بنا کردن شرایط نوین جور و ستم است. فشار به روی کارگران و تمام مزدگیران و قشرهای تحتانی جامعه باعث شده که همواره در گوشه و کنار میهن ما فریادهای «دموکراسی با ریش و پشم نمیشه» بلند شود. این همان خواست سکولاریزمی است که خاتمی از آن به تلخی یاد می‌کند و با دم زدن از اصلاحات در نظام می‌خواهد مبارزات رادیکال مردم را که در جهت رسیدن به عدالت اجتماعی و دموکراسی است در چارچوب اهداف جناح خود کنترل کند و برای استفاده بیشتر از نیروهای انسانی و چپاول منابع ملی مشروعیت نظام را بازسازی کرده و اصلاحاتی دروغین را در چارچوب نظام پوسیده اسلامی به افکار مردم ترویج کند اما او بس عبت می‌پندارد که می‌تواند تاریخ را به نفع خود متوقف کند، اصلاحات با وجود اصل ولایت فقیه که سد هر گونه حرکتی به سمت آزادی و تحولات بنیادین در میهن ماست ممکن نیست و جبهه دوم خرداد در تحلیل نهایی خواستار حفظ پایه‌های ولایت فقیه یعنی استبداد مذهبی و فردی است و این مسأله به وضوح با تسلیم شدن کروی، رئیس مجلس به اصطلاح اصلاح طلب در مقابل واکنش ولایت فقیه در رابطه با طرح اصلاح مطبوعات، که گفت: ولایت فقیه همین است و بس و ... ثابت شد. روزنامه لوموند در شماره ۱۸ مرداد خود پیرامون اقدام خامنه ای در مقابل مجلس نوشت: «این فصل از حیات سیاسی ایران به خوبی بیانگر برتری ولی فقیه بر سایر نهادهای حکومتی و توان او در ایجاد سد بر راه تمایلات مجلس جدید است». فصد واقعی جبهه دوم خرداد به اصلاحات به نفع مردم بلکه فقط تکرار تجربه تلخ دوران هشت ساله حکومت رفسنجانی در شکل جدید است. اما مردم با حرکتهای اجتماعی خود دست رد به سینه اینان خواهند زد. خواست سکولاریزم یک خواست ملی و سراسری مردم ایران است.

۱- گرفته شده از دائره‌المعارف

سوئدی

Nationalenkyklopedin.(v.16).1995

شاملو، شاعر مدافع زندگی، در روزگاران غریب

-- منوچهر مرعشی

شاملو شاعری بود که در زمان حیاتش در سطح داخلی و جهانی شناخته شده بود و بسیار در مورد او و آثارش گفته شده و می‌گویند. اما با همه این وجود وقتی دل شکسته و ازده از میان ما رفت، نبودش بیشتر احساس می‌شود و از جهاتی گویی شاملو تولدی دوباره پیدا کرد و در هیاتی دگر ظاهر شد و درخشید و بیش از پیش در قلبها و ذهنها جا گرفت و نقش بست. از این بابت شاملو جاودانه شد و برای همیشه بیان کننده بخشی از وجدان، شعور و شرف انسان ایرانی شد.

شاملو از تولد تا درگذشت به قول خودش روزگار غریبی را شاهد بود و تجربه کرد و از سر گذراند. در دوران کودتای نظامی رضا خان و حکومت او، شاملو کودکی بیش نبود اما آن روح حساس و وجدان بیدار حتی در آن سن و سال نمی‌توانست بی‌تأثیر از اوضاع و احوال اجتماعی و تاریخی آن روزگار باشد. در زمان محمدرضا شاه، شاملو در اوج جوانی و شور بود. او از طرفی متأثر از جنبش ملی و نیروهای سیاسی و مبارزاتی آن دوران بود و از طرف دیگر شاهد کودتای ۲۸ مرداد و وقایع حول و حوش آن، سرکوب و افسول جنبش، خیانت و سازش حزب توده. شاملو اما این روزگار غریب را با هویشیاری و روحی بزرگ و دلی قوی از سر گذراند و با برافروخته شدن آتش حشم و جسارت خلقی سرکوب شده توسط نیروهای انقلابی و پیشتازش همچون سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران و درخشیدن ستارگان در شب تیره آسمان میهن و تولد جنبش انقلابی در بینش و کنش، صداالته روح حساس و وجدان بیدار و اندیشه روشن شاملو تأثیری دگرگونه گرفت و از آن پس تا به آخر در فکر، اندیشه و احساس و عاطفه همراه و یار جنبش انقلابی باقی ماند به مناسبتهای گوناگون سروده است، دید. شاملو اما در غریب ترین و پر فتنه ترین روزگار تاریخ ایران یعنی در دوران حکومت دیکتاتوری مذهبی، صدای پای هیولای آدم خواری را شنید و در نوشته و اشعارش خبر از دورانی داد که "مشق را در پستوی خانه نهان باید کرد" و شاملو که شاعری بود برخاسته از میان مردم و برای آنها می‌سرود، ترانه و قصه می‌گفت، از "درد مشترک" و راه مشترک می‌گفت. در نوشته‌ها و اشعارش از همان ابتدا در کنار و همراه آن نیروهای انقلابی قرار گرفت که در برابر ارتجاع سیاه مذهبی از آزادیها در وسیع ترین شکل آن حمایت می‌کردند. در مقابل، ارتجاع و متحدانش نظیرحزب توده و اکثریت بقیه در صفحه ۱۲

شاملو شاعر مدافع زندگی

بقیه از صفحه ۱۱
... باصلاح اندیشه و عاطفه
افشاکری کرد.

در دوران خاستگی، دوران
شایدی و زبونی دیکتاتوری مذهبی،
روزگار به تحرک درآمدن جسدها،
روزگار پیرفته به ویژه برای
هنرمندان، می توان تا حدودی
تصور کرد که رژیم دست به چه
تلاشهای مذبحخانه ای که زنده تا
تواند دامن شاملو را با آن جایگاه
ادبی در داخل و خارج ایران، الوده
کند. اما باز هم هیبهات، شاعر آزاده
ما که همواره در حال "جستن و
یافتن و آن گاه به اختیار برگزیدن"
بود، "اگر مرگ را از این هم ارزش
بیشتر باشد، حاشا حاشا که هرگز از
مرگ نهراسیدم" تن به این شیدان
نداد.

شاملو به راستی از مرگ
نهراسید چرا که او در اندیشه و
احساس افقهای بالاتری را می دید.
سخن به درازا کشید، در این
بازه بسیار می توان گفت و آدمی
دریغش می آید که نگویید. اما می
توان گفت مشخص ترین
خصوصیت شاملو آزادیخواه بودن او
بود. به همین دلیل شاملوی آزادی
طلب نه تنها هرگز سر سازش با
هیچ نوع دیکتاتوری را در تمام طول
عمرش نداشت، بلکه همواره به
شیوه خودش با اشعار و نوشته
هایش تیزترین تیغهای را بر سر و
روی هر نوع زورگویی و ظلم فرود
آورده است. در صحبتهایش باز هم
به شیوه خودش عزیزترین و
یاکترین عواطف و احساسش را تبار
آزادیخواهان و مبارزان تاریخ
میهنش کرده است. به همین دلیل
شاملو در قلب و ضمیر گسترده ترین
اقتدار جامعه قرار گرفته و خود
شاخص و الگویی از سازش ناپذیری
و آزادیخواهی برای مردم شده ا
ست. این چنین است که شاملو
شاعری ملی می شود. و در قلب
نهران مردم او را با سرود ملی و
اشعار مبارزاتی و سیاسی اش
همراهی می کنند. و یاد او از طرف
آزادیخواهان و مقاومت و
دوستدارانش کرامی داشته می شود.
شاملو حافظ زمان و بیان کننده
بخشی از روحیه و فرهنگ منی
کهنسال می شود و در برگهای

زرین تاریخ فرهنگی و مبارزاتی
ایرانی جاودانه خواهد شد.

شاملو در شعر

شاملو شاعر نو بود. راهی که
نیما بنا گذاشت و گسترده، راهی که
می خواست محتوای جدیدی را با
زبان شعر بیان کند و بنابراین می
بایست قالب و شکل گذشته را می
شکست و این مهم را نیما با جسارت
و شهامت و آگاهی و اشراف به شعر
قدیم و نیاز و شرایط دوران خودش
انجام داد. والته که اسان انجام نشد
بلکه از صدها مانع گذشت، شعر از آن
پس از جایگاه لوکس و غیر قابل
دسترس در شکل و محتوا تغییر کرد
اما این آغاز راه بود و این راه می
بایست کوییده می شد و تکامل پیدا
می کرد. یکی از اولین رهروان
برجسته و تکامل دهنده این راه
شاملو بود.

شاملو در شعر، مدافع زندگی بود.
اواز هر چیز، اعم از کوچک و پیش
یا افتاده که مربوط به زندگی بود،
دفاع می کرد و دشمن چیزهایی بود
که دشمن زندگی بودند به این معنا
می توان گفت که شاملو از
دوستداران انسان بود و از دشمنان
دشمن انسان. شاملو هم به خاطر
"هر چیز کوچک" و "هر چیز پاک"،
"به خاطر عروسک تو" در شعر جان
می داد با شعرش به جنگ ستمکاران
می رفت. شاملو همراه "انسان که در
برابر تندر می ایستند، خانه را روشن
می کنند و می میرند" می مرد و
زنده می شد.

شاملو اگر چه شاعر نوپرداز و
شعر نیمایی بود اما در مسیر راه به
سبک ویژه خودش دست یافته بود.
هر چه بوده و یا هست شاملو با همه
مهارت و زیبایی کلام و تصویر سبک
خودش را داشت که بیش از پیش در
بی بیان محتوایی بود که آن را کشف
می کرد و می خواست هر چه روشنتر
و صریحتر با خوانندگان در میان
بگذارد. به همین دلیل سبک و
محتوای شاملو در زمان حیاتش
بسیاری از شاعران جوانتر را تحت
تأثیر خود قرار داده بود. شاید عنوان
"شاعر شاعران" از این بابت بود.

مرداد ۷۹

توصیح نبرد خلق: این مطلب
اندکی کوتاه و بخشهای تکراری آن
حذف شده است.

نقدی بر نوشته خانم لیلا
مندرج در نشریه شماره
۱۸۳ نبرد خلق

— مجید فرج الهی
می توان موضوعی را بهانه کرد
و حرف دل را زد. مثلاً می توان
گفت، خال مهریوان سیاه و دانه فلفل
سیاه. هر دو جاسوزند، اما این کجا
و آن کجا! بعد هم وجوه مشترک
خال و دانه فلفل را یافت. می شود
گفت دانه فلفل و خال هر دو سیاهند.
هر دو در خانه فلان مهاراجه هندی
یافت می شوند. و هر دو باب میل
خیلی از حسرت به دلان می باشند و
در پایان برای اثبات آنچه در نظر
است، خصوصیت سوزاننده یکی را
کاذب و دیگری را ناب دانسته و به
خوبی و خوشی مطلب را به پایان
برد. بدون این که بپرسیم آن خال
مهر و آن دانه فلفل هیچگاه خود
قصد مقایسه با یکدیگر را داشته اند؟!
وقتی این گونه آغاز کنیم، برای
این که در اثبات گفته مورد نظرمان
تردید ایجاد نشود، ناخواسته وجوه
مشترک غیر ضرور در نمونه های یاد
شده را بزرگنمایی می کنیم تا در
سایه این بزرگنمایی، سوی بران
کلام را برانتر جلوه داده و محکوم از
پیش تعیین شده را، ناچار از هیبت
این تیغ بران به خموشی واداریم.

خانم لیلا با بیان سه مورد وجوه
مشترک، به بررسی شخصیتی دو
خواننده می پردازند. و در پایانی که از
همان آغاز دریافتش مشکل نیست،
حسرت از هم عصری با یکی و شغف
از حیات دیگری در همان عصر را
ختم مطلب می سازد. بدون این که
در تمامی طسول این در حقیقت
شکوائیه، تیغ تیز کلام را بر سر آن
فرود آورد که می ناید. غفلت از این
مهم، چنان خطایی ایجاد می کند که
از آن سوی یک دیکتاتور بزرگوار
استشمام می شود. دیکتاتوری که
نسبت به امران مهربانتر از عاملان
به نظر می رسد.

در آغاز مطلب خانم لیلا، بعد از
شرحی کوتاه راجع به ویژگیهای رژیم
حاکم بر کشور، حداقل عکس العمل
یک هنرمند، در برابر این بیدادگری
راه، سکوت توصیه می کند. و از آن جا
که ایشان برای بیان منظور خود، ۲
رن را موضوع مطلب در نظر گرفته و
با توجه به ذکر وجوه اشتراک آن دو،

آکیداً توصیه می کنند که در این پایداری، ویژگی
خاصی صرفاً برای جنس مؤنث در نظر گرفته شده
بدون این که مشخص شود که این ویژگی صرفاً
به خاطر جنس زنانه نویسنده مطلب امر می شود،
یا این که ایشان به کشف تازه ای در مقام مقایسه
بین هنرمند زن و مرد دست یافته اند. عطر
نامطبوع کلام آن جا به مشام می رسد که خانم
لیلا، محدوده آزادی هنرمندانی را که در این مقطع
از ایشان به نام «کسان» یاد می کند، به دمی
تشبیه می کند، که نویسنده با بزرگواری تمام پای
بر آن ننهادند. مشام از رده تر می شود وقتی که،
ارزوی قلبی خانم لیلا منی بر تبدیل این
هنرمندان معمولی به هنرمندان متعهد و مردمی
برآورده نشده و ایشان در عین نازاحتی به روی
خود نمی آورند. تیغ تیز کلام خانم لیلا بی مهابا به
هر سو به پرواز در می آید و چهره هر خواننده و
هنرمندی را که در خارج کشور کنسرت داشته،
نگران می کند. و در حاشیه زخم کوچکی هم به
صورت آخرین هنرمندی که ظاهراً در کنسرت
خارج از کشور، جدای از اجرای ترانه، به بیان یک
نظر احتمالاً دیکته شده پرداخته، می نشاند.

هنرمند یاد شده، کلامی را بر زبان می آورد
که مطمئناً هیچ ایرانی آزاداندیش و مردم دوسی
آن را نمی پسندد حداقل این را می دانیم که،
تمامی تبعیذاتی که غربت را به رنج پذیرفته اند به
به گنج، نظر خانم لیلا را در مورد خواست مردم
آبران، که همان انقلاب است تأیید می کنند. اما
سؤال اینجاست که این خواننده زن درمانده دو
نظام، اگر آن نظر دیکته شده را بیان نمی کرد دیگر
از نظر خانم لیلا بیسواد نبود؟

خانم لیلا در لابلای نوشته شان بخشهایی از
ترانه های گذشته دو خواننده مورد نظر را یادآور
شده و این طور باور کرده که گویا، این ترانه ها
سروده خود خواننده بوده و حالا خواننده پشت به
کلام خویش کرده است.

اگر این توضیح کوتاه، جهت اطلاع بیشتر
خانم لیلا از چگونگی تولید یک کاست ترانه حمل
بر بی احترامی نشود، باید خدمت ایشان عرض
کنم که در دنیای خوانندگی، خصوصاً در ایران
غالباً این چنین مرسوم بوده که یک تهیه کننده یا
سرمایه دار، با پرداخت اجرت به یک شاعر،
آهنگساز و خواننده اثری را تولید می کرده که
کمترین سود نتیجه مجریان اصلی، شهرت نصیب
خواننده و سود اصلی به جیب همان تهیه کننده یا
سرمایه گذار سرازیر می شده. بدین جهت می
توانید خواننده مغضوب را از انتخاب ترانه های
قدیمی خاطره برانگیزی بی تقصیر بدانید. تقریباً در
انتهای مطلب خانم لیلا اشاره ای شده که این زن
که خودش از بیجگی تحت ستم و استثمار چندگانه،
چه از جانب شوهرانش و چه از طرف رژیم بود، در
سن ۵۰ سالگی باز هم نفهمید که چگونه بازبچه
دست این ستمگران شده است.

و اما خانم لیلا، آنچه را که در روح مطلب شما
دل آزار می بینم، زکبار بی آمان حشمتی است که
بر معلول می بارد. این هنرمند معلولی بیش، از
بقیه در صفحه ۱۵

در گوشه و کنار جهان



— جعفر پویه
jong_khabar@yahoo.com

اعتصاب سراسری کامیونداران، کشاورزان و رانندگان تاکسی و آمبولانس در کشورهای اروپایی موجب بروز اختلال در همه امور این کشورها شده است. این اعتصابها که توسط کامیونداران فرانسوی در اعتراض به بالا بودن بهای سوخت شروع شد، کم کم به دیگر کشورها نیز سرایت کرد. چون آنها با بستن راههای بیش از ۵۰۰ یالایشگاه و مراکز عمده سوخت دولت را وادار کردند که مقدار قابل توجهی از مالیات سوختهای تحویلی با آنان را کاهش دهد. به پیروی از این دستوراد فرانسویها، همکاران آنها در دیگر کشورها دست به عمل مشابهی زدند، چنان که رفت و آمد در بروکسل کاملاً مختل گردید. کشاورزان خشمگین انگلیسی برای پنجمین روز متوالی یالایشگاه شل و استانکو بزرگترین یالایشگاه اروپا را در محاصره دارند. نزرگراههای هلند توسط رانندگان تاکسی و کامیونداران برای مدتی بسته شده است. مرکز سوخت منچستر توسط صدها کامیون به محاصره درآمده است. غیرغم تمام این اعتراضات تونی بلر، نخست وزیر انگلیس اعلام کرد که هیچ تخفیفی در قیمت فروش بنزین داده نخواهد شد. برتی اهرن، نخست وزیر ایرلند که نا خطر اعتراضهای سراسری مواجه نشده بود موافقت کرد که با رانندگان کامیون دیدار کند. کشاورزان اسپانیایی نیز از دولت اسپانیا خواسته اند برای روبرو نشدن با وضعیت موجود در دیگر کشورهای اروپایی مالیات سوخت را کاهش دهد. آیا کامیونداران، رانندگان تاکسی و کشاورزان انگلیسی، بلژیکی و هلندی نیز مثل فرانسویها موفق به کسب خواسته خود خواهند شد؟

خبرگزاری فرانسه - اول

شهریور: قاضی مأمور رسیدگی به شکایت علیه اگوستوینوشه دیکتاتور سابق شیلی اعلام کرد ژنرال یینوشه در

۹ اکتبر به خاطر نقض حقوق بشر در دوران حکومتش، مورد بازجویی قرار خواهد گرفت. بنابر همین گزارش، قاضی گازمن تصریح نکرد که بازجویی در کجا انجام خواهد شد ولی در یک کنفرانس مطبوعاتی پذیرفت که محل بازجویی ممکن است توسط دیکتاتور سابق انتخاب شود. دیوان عالی شیلی در ۸ اوت لغو مصونیت سیاسی یینوشه را اعلام کرد.

تولیزیمون سسی ان

ان ۳۱ مرداد: عکاسی که تصویر جاودانی ارستو چه گوآرا را گرفت و این تصویر را در زمره تصویرهای همیشگی و جاودانه جهان قرار داد. اخیراً از یک کمپانی ودکا سازی و یک کمیته ای ادکلن سازی به خاطر استفاده از تصویر چه گوآرا روی بطریهای مشروب و ادکلن به هدف تبلیغ ادعای خسارت نموده است. تصویر چه گوآرا از مجسمه ها، تابلوها، کنده کاریها روی سنگ و یا چوب گرفته تا روی قاب عکس و یا پیراهن در سراسر دنیا چاپ شده است. ولی جدیدترین سوء استفاده بی که از این تصویر شده، این عکاس مشهور را به خشم آورده و وی را واداشته تا علیه این کمپانی مشروب سازی ادعای خسارت نماید. تصویر مشهور چه گوآرا در تاریخ پنجم م ارس ۱۹۶۰ گرفته شده است.

خبرگزاری فرانسه - برلین ۱

شهریور: رسانه های آلمان، خسته از انعکاس خشونت‌های راستگرایان افراطی اکنون دست به ضد حمله زده اند. تاگس سائتونگ، روزنامه چپی چاپ برلین با چاپ عکس ۲۲ تن از چهره های مشخص افراطیون راستگرا در صفحه اول خود نوشت: ما باید آنها را شناسیم تا بتوانیم واکنش نشان دهیم. این روزنامه نا چاپ حرف ز در صفحه خود هم چنین شهادت مدنی را یادآور شد که البته اشاره ای سیر به علامت اختصاصی زورو داشت. روزنامه تاگس سائتونگ که به طور مخفی «تاز» گفته می شود ضمن فراخوان خوانندگان خود به داشتن شهادت مقابل به نئونازیها نوشت: فاشیسم یک عقیده نیست، یک جنایت است. این روزنامه به عنوان نمونه کشور سوئد را ذکر کرد که در سال گذشته بسیاری از روزنامه های معتبر آن فهرست بلند بالایی از اسامی راستگرایان افراطی خود را به چاپ رساندند. بنا بر این گزارش این اقدام مطبوعات سوئد تأثیر مثبتی بر جای

گذاشت چون جنایت‌های افراطیان رو به کاهش گذاشت، ابتکار روزنامه تاز با حمایت لوموند دیپلوماتیک آلمانی و رادیو خصوصی «آین» نیز روبرو شده است. هفته نامه های دای ووش، انشپگل، روزنامه های دی ولت، بیلد، سوئدوج سائتونگ، فرانکفورتر رابندشاو، نشریات محلی و هم چنین تلویزیون دولتی ZDF و دیگر رادیوها با ایجاد یک سایت مشترک اینترنتی مقالات و گزارشات خود را در باره فعالیتها و خشونت نئونازیها به چاپ می رسانند.

کانادا - روزنامه ناشنال پست ۳

شهریور: سرویس جاسوسی امنیتی کانادا (سیر) هشدار داد که مخالفان جهانی سازی اقتصاد مقابل به با گردهماییهای این کشور را هدف قرار داده اند. این روزنامه به نقل از گزارش سیر نوشت: از جمله اهداف مخالفان جهانی سازی، سال آینده سازمان دولتهای آمریکا در شهر کیک است و افزود: اگر چه بسیاری از معترضان تجارت جهانی و شرکت‌های چند ملیتی، فعالان چپگرای بدون آزار هستند، اما این گونه اجتماعات برای تندروهای افراطی که با پلیس درگیر می شوند جاذبه فراوانی دارد.

شبه نظامیان طرفدار محیط زیست، طرفداران حقوق حیوانات، و هرج و مرج طلبانی نظیر اعضای گروه موسوم به بلوک سیاه عمده ترین نگرانی سیر را تشکیل می دهند. نگرانی دیگر مربوط به گروه اروپایی اصل وضعیت سوم است که به تدریج در آمریکا رشد کرده و سرویس جاسوسی از آنها به عنوان ترکیبی جدی از افراطیهای چپ و سیاستهای راست معتقد به خشونت یاد می کند. سیر در گزارش خود آورده است که: جنبش ضد اقتصاد جهانی نظیر اینترنت، بدنه ای است که بدون رهبر در مسیر بقا و حتی پیشرفت، ادامه حرکت می دهد.

واشنگتن - خبرگزاری فرانسه ۶

شهریور: هزاران نفر از شهروندان آمریکایی در اعتراض به نژادپرستی به ویژه نژادپرستی نیروهای امنیتی آمریکا و گرامیداشت سی و هفتمین سالگرد سخنرانی تاریخی مارتین لوتر کینگ، در شهر واشنگتن تظاهرات کردند. به گفته منابع خبری، حدود ۵۰۰۰ آمریکایی در محلی که مارتین لوتر کینگ برنده جایزه صلح نوبل در ۲۸ اوت ۱۹۶۴ سخنرانی معروف خود را در مقابل ۲۵ هزار نفر ایراد کرده بود تجمع کردند و به اظهارات سخنرانان مختلف از جمله کورتا اسکات کینگ همسر لوتر کینگ

که در ۴ آوریل ۱۹۶۸ به قتل رسید و پسرش مارتین لوتر کینگ سوم گوش دادن. کوئیزی امفومه رئیس اتحادیه برای ارتقای رنگین پوستان به خبرنگاران و تظاهرکنندگان گفت: بسیاری از نیروهای پلیس از مردم جدا شده اند و دیگر تحت کنترل نیستند. شرکت کنندگان در این تظاهرات هم چنین حوادث سالهای اخیر به ویژه در نیویورک را که طی آن پلیس تعدادی از سیاهپوستان سوزانده یا به قتل رسانده بود را محکوم کردند.

ابوجا - رویتر ۶ شهریور

با حضور رئیس جمهور آمریکا در نیجریه هزاران نفر نیجریایی با سر دادن شعارهای ضد آمریکایی و آتش زدن پرچم آمریکا مخالفت خود را با حضور کلینتون در کشورشان ابراز داشتند. کلینتون که در رأس یک گروه هزار نفری که ۴۰۰ نفر آنان را سرمایه گذاران در بخش نفت تشکیل می دهند پس از ورود به ابوجا در تمجد از دموکراسی نوپای این کشور گفت: نیجریه به جهان نشان داد که اختلافات قدیمی و مذهبی می توانند منشاء قدرت باشند نه تضاد. به گزارش خبرگزاری فرانسه از ابوجا، کلینتون در سخنرانی خود در مجلس ملی این کشور گفت: آمریکا برای کمک به بازسازی اقتصاد نیجریه با این کشور همکاری خواهد کرد تا بتواند به موتور رشد اقتصادی و نوسازی در سراسر این قاره تبدیل شود. او به آلسگون اوباسانجو، همتای نیجریه ای خود قول داد برای کاهش بدهیهای این کشور که به بیش از ۴۰ میلیارد دلار می رسد از نفوذ خود در میان سایر کشورهای ثروتمند عضو باشگاه پاریس استفاده کند. نیجریه ششمین کشور بزرگ صادر کننده نفت در جهان است و برای سرمایه گذاری در طرحهای توسعه خود ظرف ۵ سال آینده ۴۰ میلیارد دلار نیاز دارد. روزنامه لیبراسیون چاپ پاریس در باره دیدار رئیس جمهوری آمریکا از نیجریه نوشت: کلینتون فصد دارد نیجریه را به ژاندارم منطقه تبدیل کند.

مسکو - خبرگزاری فرانسه ۸

شهریور: فرمانده شورشیان چچن مسئولیت آتش سوزی برج تلویزیونی اوستانکینو در مسکو و انفجار در زیر دریایی کورسک را به عهده گرفت. طبق گزارش سایت اینترنتی سازمان ففقاژ متعلق به چچنها، شامیل باسایف دستور این آتش سوزی را به تلافی انهدام ساختمان تلویزیون چچس توسط نیروهای فدرال روسیه صادر کرده بقیه در صفحه ۱۴

در گوشه و کنار جهان

بقیه از صفحه ۱۳

است. به گزارش این سایت به نقل از یک فرمانده شورشیان که نامش فاش نشده است مبلغ ۲۵ هزار دلار نیز برای این کار به یکی از کارکنان بخش فنی برج اوستانکینو پرداخت شده است. مقامات روسیه هنوز هیچ واکنشی در قبال این اطلاعات از خود بروز نداده اند. در سایت سازمان قفقاز هم چنین آمده است که مسئولیت غرق شدن زیردریایی هسته ای کورسک در دریای بارتس نیز با فرمانده باسایف است. به این ترتیب که یکی از ملوانان کورسک از عوامل نفوذی چنینها بوده، در یک مأموریت انتحاری باعث انفجار در زیردریایی شده است.

بوگوتا - خبرگزاریها ۹ شهریور :

اتحادیه های کارگری، دانشجویان، گروههای شورشی، سازمانهای حقوق بشر و بی خانمانهای کلمبیا، هم زمان با ورود رئیس جمهور آمریکا به کارتاخنا دست به اعتراضهای سراسری زدند. این در حالی است که نیروهای پلیس و نظامی این کشور و مأموران سیا و اف بی آی سخت ترین تدابیر امنیتی را به کار گرفته اند. تظاهرکنندگان کلاه عمو سام بر سر و نقابهایی به شکل اسکلت بر چهره داشتند و پرچم آمریکا را در قطع بزرگ حمل می کردند که به جای ستاره روی آن تعداد زیادی عکس جمجمه نقش بسته بود. تعدادی از معترضان که سنگ پرتاب می کردند در خارج از ساختمان سفارت آمریکا با پلیس درگیر شدند. تظاهرکنندگان فریاد می زدند، بانکی به خانه ات برگرد، و امپریالیسم از کلمبیا خارج شو. به گزارش خبرگزاری فرانسه از بوگوتا، در جریان تظاهرات گسترده ضد آمریکایی یک افسر پلیس کشته شد. تعداد زیادی از دانشجویان در بیرون محوطه دانشگاه کلمبیا با دادن شعارهای ضد آمریکایی با پلیس ضد شورش درگیر شدند. خبر دیگری حاکی است که چریکهای کلمبیا در اعتراض به سفر کلینتون دست به چندین حمله به مواضع دولتی زدند که در نتیجه آن ۱۲ نفر جان خود را از دست دادند. دستور کار کلینتون با اندرس پاسترانا رئیس جمهور این کشور سرکوب قاچاقچیان مواد مخدر و راه اندازی روند صلح متوقف شده با چریکهاست که این طرح از حمایت آمریکا برخوردار است. چریکهای مخالف دولت کلمبیا این طرح را محکوم کرده

اند و آن را زمینه ساز دخالت نظامی آمریکا تلقی می کنند. گروههای معترض دیگر می گویند صرف بیش از حد بودجه کشور و کمک برای تجهیز ارتش موجب آسیب رساندن به طبقات ضعیف جامعه شده است. گروههای حقوق بشر می گویند دولت کلمبیا هیچگونه تلاشی برای بهبود اوضاع اقتصادی اقلتار ضعیف و آسیب پذیر جامعه به کار نمی گیرد. این گروهها علاوه بر این می گویند حضور مستشاران نظامی آمریکایی در کلمبیا موجب نقض حقوق بشر در این کشور خواهد شد.

سیدنی - خبرگزاری فرانسه ۱۵

شهریور : بومیان استرالیا می گویند تصمیم دارند برای نشان دادن اعتراض خود به تبعیضی که در کشورشان قربانی آن هستند در مقابل شرکت کنندگان و تماشاگران بازیهای المپیک یک زنجیر انسانی در فرودگاه سیدنی تشکیل دهند. جنی مونرو یکی از برگزارکنندگان این تظاهرات می گوید اولین ساکنان استرالیا می خواهند تصویر دیگری از خود و کشورشان به بازدیدکنندگان نشان دهند. او اضافه کرد: در ارتباط با ما هم دولت استرالیا فقط دروغ تحویل آنها می دهد و تا به حال جز پنهان کردن وضعیت حقوقی ما کار دیگری نکرده است. تظاهرکنندگان می گویند اجازه یافته اند زنجیر انسانی خود را در روزهای ۱۰ تا ۱۴ سپتامبر در طول مسیرهایی که به فرودگاه سیدنی منتهی می شوند، تشکیل دهند.

ملبورن - خبرگزاری فرانسه، ۲۱

و ۲۲ شهریور : در حالی که پلس شهر ملبورن در استرالیا از مردم خواسته بود که از رفت و آمد به محل اجلاس مجمع جهانی اقتصاد در مرکز شهر اجتناب کنند، هزاران نفر از مخالفان جهانی سازی اقتصاد اولین روز این مجمع را مختل کردند. به گفته منابع خبری، تظاهرکنندگان به رغم تدابیر شدید امنیتی و حضور سنگین نیروهای پلیس در سراسر مرکز شهر موفق شدند راههای ورودی به مرکز کنفرانس واقع در مجتمع تجاری کران تاورز را کاملاً مسدود کنند و مانع از ورود شرکت کنندگان در کنفرانس به محل برگزاری آن شوند. اتحاد اس ۱۱ (به معنای ۱۱ سپتامبر، اولین روز از اجلاس) اعلام کرده است قصد دارد مخالفت خود را با برگزاری مجمع جهانی اقتصاد که طی آن قرار است سران سیاسی و اقتصادی از جمله بیل گیتس رئیس مایکروسافت

سخنرانی کنند، را نشان دهد و این اجلاس را محکوم کند. تظاهرکنندگان در حالی که شعارهایی در مخالفت با جهانی سازی اقتصاد سر می دادند و پلاکاردهایی با همین مضمون در دست داشتند، سلطه چند ملیتیها بر اقتصاد جهانی را محکوم کردند. در روی یکی از پلاکاردها نوشته شده بود: مجمع جهانی اقتصاد یعنی مجمع جهانی استثمار. مخالفان جهانی سازی اقتصاد و نیروهای امنیتی که بعضی از آنان سوار بر اسب بودند، سر روی دو پلی که دو طرف رودخانه بارا در کنار ساختمان مجمع را به هم متصل می کند با یکدیگر درگیر شدند. در این درگیریها یک پلیس امنیتی و یک مأمور آمبولانس مجروح شدند. به هر حال حدود ۲۰۰ نماینده ای که در هتل‌های بزرگ مرکز مالی ملبورن در آن سوی رودخانه اقامت داشتند، نتوانستند خود را به مرکز کنفرانس برسانند.

در دومین روز نیز هزاران تن از مخالفان جهانی سازی اقتصاد با سرازیر شدن به خیابانهای شهر ملبورن و ایجاد زنجیرهای انسانی برای جلوگیری از ورود صدها شرکت کننده از سراسر جهان به ساختمان مرکزی کنفرانس، این جلسه را با بحران روبرو کردند. تظاهرکنندگان با بالا رفتن از دیوارهای فلزی و بتونی که پلیس برای جلوگیری از ورود آنها به کران تاورز در اطراف ساختمان کشیده بود، خود را به محل برگزاری مجمع رساندند. در این رویداد به ساختمان آسیبهایی وارد آمد و با کشیده شدن تظاهرات به زد و خورد با نیروهای امنیتی، دست کم سه تن از نیروهای انتظامی و ۵ تن از تظاهرکنندگان مجروح و روانه بیمارستان شدند. این در حالی است که تظاهرکنندگان می گویند بیش از صد نفر از آنها زخمی شده اند. تظاهرکنندگان ائتلاف اس ۱۱ که از گروههای مختلف تشکیل شده اند، با ایجاد یک صف محکم مانع از عبور مأموران اسب سوار شدند و بسیاری از آنها را با اسبهایشان به زمین زدند.

استانبول - خبرگزاریها ۱۹

شهریور : گروههایی از مردم استانبول در اعتراض به ساخت سلولهای انفرادی توسط دولت در منطقه بی اوغلو تظاهرات کردند. پلیس این شهر با مداخله خود حدود ۶۰ تن از آنان را بازداشت کرد. تظاهرکنندگان اعمال شکنجه در زندانهای ترکیه را محکوم کردند و خواستار رعایت حقوق زندانیان شدند. در تظاهرات دیگری در همین شهر که در اعتراض به وضع ناهنجار

زنان ترکیه صورت گرفت، حدود ۵۰ تن از زنان تظاهرکننده توسط پلیس دستگیر شدند. در این تظاهرات زنان معترض با صدور بیانیه ای خواستار احقاق حقوق زنان ترکیه شدند. گفته می شود پلیس با تظاهرکنندگان درگیر شد و در این بین چند تن از خبرنگاران رسانه های خبری نیز مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

برن - خبرگزاری فرانسه ۲۱

شهریور : نتوانزیهای سوئیس در نظر دارند تا با گردهم آوردن جریانهای راستگرایی افراطی در یک مجموعه، سازمانی در سطح ملی تشکیل دهند. ون دانیکن، رئیس پلیس فدرال سوئیس دیروز در مطبوعات این کشور اعلام کرد: پلیس دریافته است که کله پوستیها (اسکین هدها) و راستگرایان افراطی از ابتدای سال جاری برای شکل دهی به یک سازمان ملی تلاش کرده اند. وی گفت: اگر چنین سازمانی که اعضای آن برای اعمال خشونت آمده اند شکل بگیرد جریان راست افراطی به عنوان یک خطر فزاینده کشور را تهدید خواهد کرد. وی افزود ما از تعداد دقیق آنان اطلاعی در دست نداریم اما پلیس فکر می کند که هسته اصلی آنان بین ۲۰ تا ۱۰۰ نفر باشد. رئیس پلیس فدرال سوئیس خاطرنشان کرد: ما می خواهیم به هر طریق که ممکن است از شکل گیری این سازمان مرکزی راستگرایان افراطی جلوگیری کنیم اما این اقدام نیازمند حمایت جدی طبقه سیاسی جامعه و رسانه های کشور است.

تلویزیون سی.ان.ان: در مکزیکو

حزب حاکم نهادی انقلابی در انتخابات شکست خورده است و کاندیدای اپوزیسیون پابلو سالازار روز یکشنبه به عنوان فرماندار جدید ایالت جنوبی شورش ی چپایاس انتخاب شده است. اینجانب سالازار ممکن است به شورهای خونینی که تاکنون صدها نفر از مردم طی آن کشته شده اند خاتمه بدهد. پابلو سالازار PABLO SALAZAR گفته است که مذاکرات با شورشیان زاپاتاستها را از سر می گیرد. سالازار در این پیروزی درخشان توانست رقیب حاکم خود یعنی حزب پی.آر.آی (PRI) که سالها حاکم بود را شکست بدهد. این انتخابات صلح امیز بود و بعد از این که اعلام شد سالازار ۵۳ درصد آرا را کسب کرده است مردم چپایاس به خیابانها ریختند تا این خبر را جشن بگیرند. تا کنون ۷۹ درصد آرا شمارش شده است.

جنگ خبر

اخبار زیر را در آدرس زیر بر روی شبکه

جهانی اینترنت مطالعه کنید

www.jonge-khabar.com



نقدی بر...

از صفحه ۱۲

دوران ستمشاهی نیست. اگر خود او آن دوران و مناسبات را باور می داشت، مانند بسیاری دیگر در این ۲۰ سال گذشته امکان این را می یافت که ترک دسار کند و روزگار به میل گذراند. اصل سؤال این است که ببینیم چه بر سرش آمده، که بعد از ۲۰ سال خانه نشینی به این کوچکی تن داده است.

به نظر من آنهایی که در نوشته خانم لیلا اسامیشان محفوظ مانده، بیشتر مستحق بازرس رگبار خشم ایشان می باشند تا خواننده مورد نظر. بهترین معیار برای شناخت هنرمند مردمی را خود مردم خوب می شناسند. هنرمند حتماً نباید با صدای خوب و اشعاری خوب و آهنگی استثنایی معروف شود و مردمی. فراموش نکنیم که زنده یاد گل نراقی در عمرش فقط یک ترانه خواند با همان ترانه که همه آن را به نام «مرا ببوس» می شناسند مردمی شد. چرا که همه می دانستند ترانه اصلی مرا ببوس، در حقیقت حکایت از آخرین وداع یک زندانی سیاسی محکوم به اعدام دارد. ناقل چنین پیامی همیشه در قلب مردم است.

خانم لیلا در پایان با عرض احترام خاص، ایس را نیز متذکر می شوم، اگر از هنرمند دیگری که در نوشته تان مورد مقایسه قرار گرفته اند، یاد نکرده ام صرفاً به این دلیل است که این بانوی بزرگ را عزیزتر، شریفتر و والاتر از آن می دانم که در چنین مبحثی مورد قیاس قرار گیرد.

گرامی باد خاطره ...

بقیه از صفحه ۱۶

لحظاتی بعد مرا تحویل پاسدار مزدوری دادند که به سلول مجرد زندان برد و من در بین راه او را فریب داده و به بند آمدم. عصر همان روز سلمان پاسدار جلاد، رفیق را صدا کرد رفیق با تمامی رفقا و دیگر زندانیان وداع کرد. او علاقه خاصی به من که یک کارگر قالبیاف بودم داشت مرا در آغوش کشید. رفیق رشید خیلی گرم و گیرا بود نمی توانستیم از هم جدا شویم باز هم سلمان پاسدار جلاد داد زد که رشید زود باش او را با عجله از بند می بردند و ما با حیرت نگاه می کردیم. قدمهایش مثل سابق استوار بود قامتش هنوز نشکسته بود برای آخرین بار به پشت نگاه کرد و این آخرین نگاه رشید به ما بود. تقریباً نیم ساعت بعد صدای گلوله ها در هوای زندان پیچید لحظاتی بعد سلمان پاسدار جلاد به بند آمد و به من گفت رفیق رشید تیرباران گردید. یادش گرامی باد

حسن قالی باف

ایران نبرد

آدرس نبرد خلق

در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

انتشارات نبرد خلق و

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

- ۱- تدویم (گفتگوی علی ناظر با مهدی سامع)
- ۲- جنبش پیشاتاز فدایی در آستانه قرن بیست و یکم (سخنرانی مهدی سامع در آمریکا و کانادا)
- ۳- تاریخ سی ساله سیاسی اثر بیژن جزنی
- ۴- چگونه مبارزه مسلحانه توده ای می شود اثر بیژن جزنی
- ۵- ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقاء اثر امیر پرویز پویان
- ۶- سرنوشتی رژیم و ضرورت «دولت موقت» از مهدی سامع

-دموکراسی شرط اساسی انتقال قدرت به مردم

- طرحهای شورای ملی مقاومت

- پیرامون تبعیض جنسی، مذهبی و ملی

- ۷- سنگر مقدم: لنینیسم از منصور امان

- ۸- بیانیه اعلام برنامه (هویت) سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

- ۹- منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- ۱۰- بحرآن در جنبش کمونیستی ایران، راه حل برون رفت از آن و نقش ما

- چه کسی بر سر دوراهی قرار گرفته است - برای ثبت در تاریخ، از مهدی سامع

- ۱۱- مجموعه مقالات از منصور امان

- ۱۲- زنان ایران در مبارزه برای برابری جنسی از زینت میرهاشمی

- ۱۳- سوسیالیسم و سندیکاها

سوسیالیسم از عهد مارکس به بعد و جنبش بین المللی سندیکاها

نویسنده: ماکس آدلر، مترجم: کریم قصیم

- ۱۴- گفتگو با مارگرت میچرلیش،

مترجم: کریم قصیم

NABARD - E - KHALGH

Organ of the
Organization of Iranian
People's Fedavee Guerrillas
Executive Editor: Zinat Mirhashemi
Published by :
NABARD CULTURAL ASSOCIATION
No : 184 22. Sep . 2000

NABARD B.P. 20 91350 Grigny Cedex / FRANCE ***	NABARD Postbus 593 6700 AN-Wageningen HOLLAND ***
NABARD P.O Box London N7 7HX - ENGLAND ***	NABARD Post fach 102001 50460 Koln GERMANY ***
NABARD P.O Box , 710631 Herndon, VA 20171 U.S.A	NABARD Casella Postale 307 65100 Pescara ITALIA

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مدیر مسئول: زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای تماس مستقیم با نبردخلق و اشتراک آن، یا آدرس زیر تماس بگیرید.

NABARD
B.P 20
91350 GRIGNY CEDEX FRANCE

Fax: USA 1- 703 904 78 10
Italia 39 - 085 802 23 56

بهای اشتراک سالانه نبردخلق

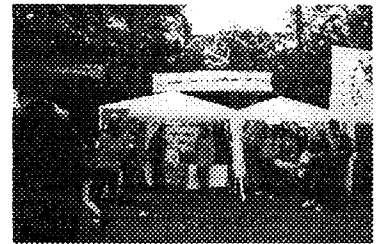
۷۵ فرانک فرانسه
۱۸ دلار آمریکا
۷ فرانک فرانسه

اروپا
آمریکا و کانادا
تگ شماره

حساب بانکی سازمان

Name of Bank...SOCIETE
GENERALE
Address: BOULOGNE-S-SEINE /
FRANCE
Bank code: 30003
Post code: 03760
Account No: 00050097851
Beneficent name: Mmc.Talat R.T

جشن صدای خلقها در وین (اتریش)



همه ساله در اولین شنبه و یکشنبه سپتامبر، جشن صدای خلقها از احزاب و سازمانها و گروههای چپ سراسر دنیا در وین پایتخت اتریش برگزار می شود. امسال نیز سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برای سومین بار به این جشن دعوت شد. سازمانها، گروهها و احزاب مختلفی به محل استقرار سازمان که در دهکده همستگی بود، مراجعه کردند. غرفه سازمان با عکسها و کاریکاتورهایی که نمایشگر جنایات رژیم جمهوری اسلامی است تزئین شده بود. در غرفه سازمان، انتشارات سازمان به زبانهای مختلف وجود داشت. پرچم پر افتخار سازمان، آذین بخش سر در غرفه سازمان بود.

در این جشن گروههای مختلف موزیک از سراسر دنیا شرکت داشتند که ترانه سرودها و آهنگهای دلنشین را ارائه دادند و بهترین آنها گروهی از کلمبیا بود که برای اولین بار در جشن شرکت می کرد.

در هر دو روز تمامی سخنرانیهایی مختلف بیشتر در محور محکوم کردن حرکتهای فاشیستی دولت اتریش بود.

جشن صدای خلقها یا جشن احزاب برادر از صبح روز شنبه دوم سپتامبر بدون هیچ مشکلی شروع و در ساعت ۱۰ شب یکشنبه سوم سپتامبر به پایان رسید.

توضیح: این مطلب بخشی از گزارشهای رفقا، فریدون، حیدر، عادل و مهران رادیوراست.

نظارات ایرانیان در نیویورک

روز سه شنبه ۱۵ شهریور ۱۳۷۹ برابر با ۵ سپتامبر ۲۰۰۰ بیش از ده هزار ایرانی در شهر نیویورک جمع شدند و با این گردهمایی مخالفت خود را با حضور آخوند خاتمی در سازمان ملل متحد اعلام کردند.

از ساعت ۷ صبح دسته دسته گروههای ایرانی در خیابانهای ۴۳ و مدیسون گرد آمدند و ساعت ۱۰ صبح تظاهرکنندگان در خیابانهای نیویورک به راهپیمایی پرداخته و به طرف مقر سازمان ملل متحد رهسپار شدند. تظاهرکنندگان در مسیر خود شعارهای «مرگ بر خامنه ای، مرگ بر خاتمی، درود بر رجوی، مرگ بر حکومت آخوندی و رژیم آخوندی از سازمان ملل اخراج باید گردد» را سر می دادند. حضور منسجم ایرانیان در شهر نیویورک یک بار

دیگر همستگی ایرانیان در خارج کشور را با مردم به پا حواسته حرم آباد نشان دادند.

در جریان این تظاهرات ۱۰ هزار نفری، فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران شرکت فعال کرده و با خود پلاکاردهایی به دو زبان انگلیسی و فارسی حمل می کردند. روی این پلاکاردها نوشته شده بود: «مرگ بر خاتمی، مرگ بر خامنه ای، خاتمی یک تروریست است از سازمان ملل اخراج باید گردد، زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح، سوسیالیسم، سرنگون باد رژیم ولایت فقیه، ما از قیام مردم حرم آباد حمایت می کنیم».

در این اجتماع بسیاری از رسانه های خبری آمریکایی و کشورهای دیگر در صحنه تظاهرات حضور داشتند.

رفیق اسد طاهری با دو شبکه تلویزیونی CBS و کانال یونیورسال (اسپانیایی) مصاحبه داشت. او در این مصاحبه گفت: این بخش کوچکی از اعتراضات مردم ایران برای سرنگونی رژیم ضد بشری آخوندی با همه دارو دسته ها و جبهه بندیهای درونی آنهاست. ما در اینجا جمع شده ایم در برابر دفتر نمایندگان ملیتهای جهان و به گوش همه مردم آزاده جهان برسانیم، که این رژیم ضد بشر است. حکومت آخوندی، زن و مرد، پیر و جوان ونوجوان ۱۵،۱۴ ساله را بی گناه و یا تنها به دلیل ابتدایی ترین حواسته هایشان را به پای جوخه های اعدام می برد و حتی اجازه داشتن وکیل و دفاع از خود به آنان نمی دهند. ما اعلام می کنیم: خاتمی یک رفرمیست نیست او یک تروریست و قاتل است. تا سرنگونی کامل این رژیم ما یک قدم به عقب نخواهیم نشست».

تعدادی از سخنورانها و نمایندگان مجلس آمریکا در این تظاهرات شرکت کرده و با ارسال پیامهایشان حمایت خود را از مقاومت ایران اعلام کردند. هم چنین شماری از اعضا و مسئولان کمیسیونهای شورای ملی مقاومت در این گردهمایی سخنرانی کردند.

گرامی باد خاطره فدایی شهید رفیق رشید حسینی

با وجود کشتار وحشیانه رژیم آخوندی در سال ۱۳۶۰ باز هم جمعی از زندانیان سیاسی تبریز در مقابل رژیم مقاومت می کردند. پیروسه تواب سازی زندانیان انقلابی به دلخواه جلادان رژیم پیش نمی رفت به همین منظور جمعی از زندانیان انقلابی به بند تازه تأسیسی که بعدها بند ۹ نام گرفت تبعید می شوند این عده اکثراً محکومان بودند. رژیم می خواست این عده را کم کم قاطی غیر محکومان کند و آنها را تیرباران بکند. ملاقاتها قطع می شود غذاخوری رفتن، بهداشتی و... قطع می گردد ولی باز هم مقاومت ادامه دارد بر خلاف پیش بینی جلادان مقاومت از دیگر بندهای زندان تبریز بیشتر می شود و روز به روز بر تعداد زندانیان بند ۹ افزوده می گردد. عصر یکی از روزهای سرد تبریز که هوا تازه تاریک شده به جمع زندانیان بند ۹ زندانی دیگری افزوده می شود. او آرام وارد می شود و در سالن کوچک بند که بیش از شش متر طول ندارد به تماشای تلویزیون که خبر پخش می کرد می ایستد. اولین کسی که با او به احوالپرسی می پردازد و با سر به او سلام می دهد جعفر نجفی است. او از زندانیان سیاسی زمان شاه اساکه بعداً به کمیته مرکزی حائن اکثریت پیوسته بود. ولی زندانی جدید، رویش را برگردانده و جوابی به وی نمی دهد. دقایقی بعد خبر در درون بند پخش می شود زندانی جدید رشید حسینی است. روزها می گذرند، رشید کم کم با رفقا آشنا می شود. او از دستگیریش توسط پاسداران مزدور پدرش که امام جمعه ارومیه می باشد و از شکنجه های جسمی و روحی شدیدی که قرار گرفته، صحبت می کند. او از سالی صحبت کرد که دهها چوبه دار در این سالن برپا شده بود و زندانیان مبارز و مجاهد را دسته دسته به سالن می آوردند و عده ای دیگر زندانیان را به تماشا می بردند تا روحیه آنها را حرد کنند، ولی مقاومت رشید در هم نمی شکند تا آن که توسط خودفروخته توانی به طور کامل شناسایی می شود. رژیم مطلع می شود که رشید مسئول کمیته آذربایجان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران می باشد و او را به تبریز اعزام می کند.

شهادت فدایی مهرداد

فدایی: چنگیز قبادی - محمدعلی سالمی - سید نورادی - حسن حامدی مقدم - غلامرضا صفری - حسین علی زاده - رحمت شریفی - حسن جلالی نائینی - لقمان مدائن - جهانشاه سمعی اصفهانی - محمدرضا فرشاد - زیلا سیاب - پروین قاطمی - اسماعیل بیدشهری - رهبر بیدشهری - مصطفی رسولی - مهرپوش ابراهیمی - منوچهر بهایی پور - سید احمد لاری - کرامت قبادی - زاهد سجادی - سیامک اسدیان (اسکندر) - سعید بریری - علیرضا صفری - فرسا شفیعی - ابراهیم شریفی - غنی حسن پور - محمد کس نرائی - غلامحسین وندادزاد - پرویز عندلیبیان - مهدی خاتزاده - خیرانه حسن وند - عبدالله یزدانی - علی محمدنژاد - مریم توسلی - فاطمه روغن چی - عزت الله معلم - سید ربیع حسینی - رمضان قربانی - شهسوار شفیعی - جعفر دلیر - بهرام بلوکی - روح الله الماسی - غلامحسین مجیدی - احمد سلیمانی - عباس گودرزی - حسن سمعت - حسن جان لنگرودی - کامران علوی - فرشید فرجاد - احمد کیانی، از سال ۱۳۵۰ تاکنون در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم توسط مزدوران رژیمهای شاه و چینی به شهادت رسیدند.

ظهر یکی از روزهای پاییز بود که رفیق به دفتر بند احضار می شود لحظاتی بعد به اتفاق پاسداران به دادگاه برده می شود و عصر همان روز باز هم به بند بر می گردد. بعد از احضاری به دیدار رفیق می روم و در باره این که چرا صدایش کرده بودند می پرسیم، او می گوید پدرم آمده، جعفر تقوی گفت که تقاضای کتبی نوشته و با پدرم ملاقات بخواهم و من هم قبول نکردم و حدود یک ساعت پدرم مأمور شد به دیدارم بیاید او گفت که این آخرین روز است باید قبول کنی و در نماز جمعه ارومیه حتی برای دو یا سه دقیقه صحبت بکنی و اظهار ندامت کنی دیگر هیچ چیز از تو نمی خواهیم و با این کار تو از مرگ نجات پیدا می کنی. من با قاطعیت نه او گفته که شما هر چه مرا تکلیف جسمی و روحی بکنید نمی توانید به مقصد خودتان نائل شوید. جعفر تقوی جلاد داد زد که همین امشب تیربارانت می کنم و پدرم با سر حرف او را تأیید کرد. بقیه در صفحه ۱۵